

سرمقاله

پول داغ، اقتصاد سرد

دکتر محمدرضا قدیمی
مدیر مسئول

جهش بورس و عقب‌نشینی طلا در ظاهر می‌تواند خبر خوبی برای بازار سرمایه باشد، اما از نگاه یک اقتصاددان، پرسش مهم‌تری وجود دارد: آیا نقدینگی وارد مسیر سرمایه‌گذاری شده یا فقط از یک پناهگاه دارایی به پناهگاه دیگر کوچ کرده است؟ اقتصادی که در آن پول خرد هر روز میان طلا، دلار، بورس، خودرو و سپرده بانکی جابه‌جا می‌شود، پیش از آنکه از رونق واقعی خبر بدهد، از نااطمینانی و ضعف پیش‌بینی‌پذیری حکایت دارد.

در اقتصاد سالم، پول باید آرامش نسبی داشته باشد. یعنی خنوار بداند پس‌اندازش با تورم بلعیده نمی‌شود، تولیدکننده بداند اگر سرمایه‌گذاری کند، مقررات ناگهان عوض نمی‌شود، و سرمایه‌گذار بداند بازارها فقط با شایعه و موج حرکت نمی‌کنند، اما وقتی تورم بالا، نرخ ارز ناپایدار، سیاست‌ها مبهم و آینده نامطمئن باشد، پول آرام نمی‌گیرد. از بزاری به بازار دیگر می‌رود و هر بار ردپای خود را به شکل جهش قیمت، صف خرید، صف فروش یا حباب دارایی نشان می‌دهد. به این نوع نقدینگی، در ادبیات اقتصادی می‌توان «پول داغ» گفت؛ پولی که به سرعت حرکت می‌کند، افق بلندمدت ندارد و بیش از آنکه دنبال تولید ارزش باشد، دنبال حفظ ارزش خود یا کسب سود کوتاه‌مدت است. ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی

توصیه به خرید و فروش پلکانی طلا در شرایط نوسان بازار

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان طلا ایران با اشاره به نوسانات اخیر بازار طلا، از احتمال ورود مجدد اونس جهانی طلا به کانال ۵۰۰۰ دلاری تا پایان سال میلادی خبر داد و گفت: با رعایت پرهیز از رفتارهای هیجانی در معاملات سرمایه‌گذاران باید خرید و فروش خود را به‌صورت پلکانی انجام داده و طلا را به‌عنوان یک دارایی بلندمدت در نظر بگیرند.

به گزارش ایسنا، در پی تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی در منطقه و نوسانات بازارهای...

بورس در قله ۴.۸ میلیونی

پول تازه یا فقط هیجان؟

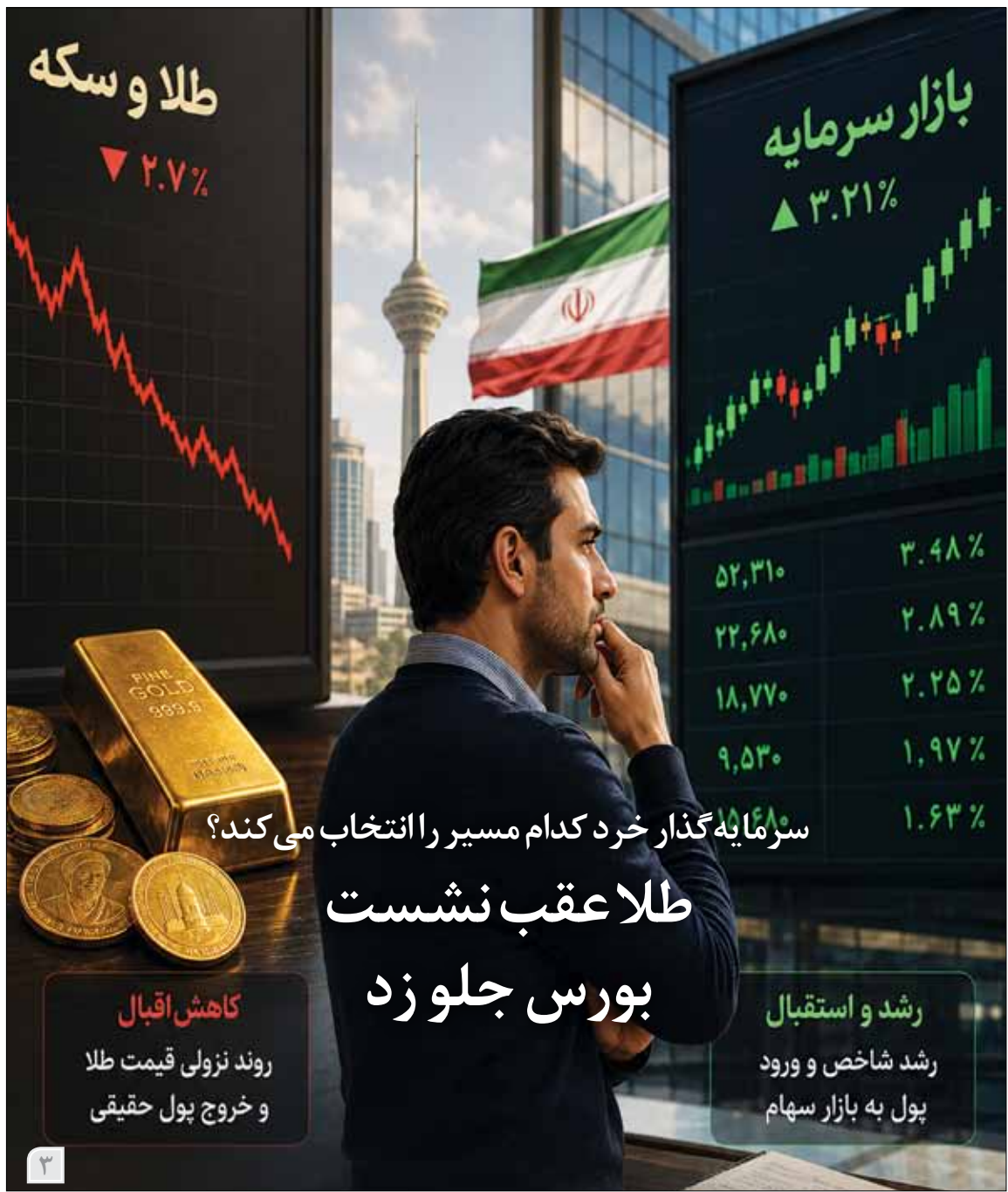
فرصت امروز: بورس تهران دوباره در مرکز توجه اقتصاد ایران قرار گرفته است. عبور شاخص کل از کانال ۴.۸ میلیون واحد، فقط یک رکورد عددی نیست؛ نشانه‌ای است از بازگشت هیجان، افزایش تقاضا و حرکت دوباره نقدینگی به سمت بازار سهام. صف‌های خرید سنگین، رشد گسترده نمادها و افزایش ارزش معاملات نشان می‌دهد بازار سرمایه بار دیگر برای سهامداران خرد و حرفه‌ای جذاب شده است. اما پرسش اصلی این است: آیا اعتماد به بورس برگشته یا بازار فقط میزبان موج تازه‌ای از پول داغ شده است؟ بازار سرمایه در ایران همیشه دو چهره داشته است. یک چهره آن، نپایدی مهم برای تأمین مالی تولید، جذب پس‌اندازها و مشارکت مردم در رشد شرکت‌هاست. چهره دیگر آن، بازاری هیجانی است که...

چهار پیشنهاد برای عبور دولت از تنگنای مالی

مدیریت و کسب‌وکار

بایدها و نبایدهای مذاکره در دنیای کسب و کار

حضور در دنیای کسب و کار بدون مذاکره قابل تصور نیست. همه مردم در دنیا نیاز به مذاکره به طور حرفه‌ای دارند. گاهی اوقات شما نمی‌توانید به این سادگی حرف‌تان را به کرسی نشاندن یا به دیگران نشان دهید بهترین راه برای انجام یک کار را دم دست دارید. در چنین شرایطی بهترین روش استفاده از مذاکره به طور حرفه‌ای خواهد بود. این امر نه تنها منافع شما را تا حد زیادی تأمین خواهد کرد، بلکه دیگران را نیز در جریان امور و تأمین منافع قرار می‌دهد بنابراین باید توجه ویژه‌ای به این فرآیند داشته باشیم. ما در روزنامه فرصت امروز معتقدیم کار آفرینان برای اثرگذاری بر روی بازار باید همیشه شرایط مذاکره به طور حرفه‌ای را تمرین کنند. البته این امر دوره‌های آموزشی بی‌فایده‌ای را به همراه آورده که معمولاً افراد پس از شرکت در آن هیچ چیز یاد نمی‌گیرند. به همین خاطر ما در این مقاله خودمان دست به کار شده‌ایم تا به شما یاد دهیم یک مذاکره خوب...



سرمایه‌گذار خرد کدام مسیر را انتخاب می‌کند؟

طلا عقب نشست بورس جلوزد

کاهش اقبال

روند نزولی قیمت طلا و خروج پول حقیقی

رشد و استقبال
رشد شاخص و ورود پول به بازار سهام

پول داغ، اقتصاد سرد

وضعیت هزینه اجتماعی دارد. وقتی مردم به جای تمرکز بر کار، تولید، آموزش، مهارت و مصرف عادی، ناچارند مدام نگران ارزش پول خود باشند، انرژی روانی جامعه فرسوده می‌شود. نااطمینانی اقتصادی فقط عدد و نمودار نیست؛ اضطرابی است که وارد زندگی روزمره خانوار می‌شود. پدر خانواده نمی‌داند پس‌اندازش را تکه تکه یا تبدیل کند. جوان نمی‌داند برای آینده شغلی برنامه‌ریزی کند یا از بازار دارایی جا نماند. فروشنده نمی‌داند امروز بفروشد یا فردا گران‌تر جایگزین کند. از نگاه اقتصاد کلان، ریشه این رفتار در تورم مزمن و بی‌ثباتی انتظارات است. تا زمانی که مردم باور نکنند تورم مهار می‌شود، تقاضا برای دارایی‌های جایگزین ادامه خواهد داشت. حتی اگر یک بازار موقتا عقب بنشیند، پول به بازار دیگر می‌رود. بنابراین مشکل را نمی‌توان فقط با توصیه به نخریدن دلار، طلا یا سهام حل کرد. باید علت اصلی یعنی کاهش اعتماد به ثبات پول و سیاست اقتصادی درمان شود.

نرخ سود بانکی نیز در این میان نقش مهمی دارد. اگر نرخ سود واقعی منفی باشد، یعنی سود سپرده از تورم عقب بماند، مردم انگیزه دارند پول خود را از بانک خارج کنند و به سمت دارایی‌ها بپردازند. اگر نرخ سود بیش از حد بالا برود، ممکن است تولید آسیب ببیند و بورس تحت فشار قرار گیرد. بنابراین سیاست‌گذار باید میان کنترل تورم، حفظ جذابیت سرمایه‌گذاری مولد و جلوگیری از فرار پول به سفته‌بازی تعادل برقرار کند.

رسوب کالا در انبار قیمت‌ها را بالا می‌برد

کشور را با این امید وارد کردند که ارز ترجیحی یا ارز دولتی دریافت خواهند کرد و بر همین اساس، کالاها را با قیمت مصوب دولتی و تحت نظارت دولت در سامانه‌های مربوطه به فروش رساندند. اما متأسفانه با گذشت ۱۷ ماه، بخش قابل توجهی از موقوفات ارزی آنها همچنان پرداخت نشده است. این موضوع آسیب جدی به اعتبار فعالان اقتصادی و واردکنندگان در بازارهای خارجی وارد کرده و اعتماد شرکای تجاری خارجی را تحت تأثیر قرار داده است. به گفته عضو انجمن واردکنندگان برنج، این شرایط نه به نفع اقتصاد کشور است، نه به نفع تجارت خارجی و نه در راستای تأمین امنیت غذایی کشور در نظر گرفته می‌شود. در شرایط فعلی، کشور بیش از هر زمان دیگری نیاز دارد که واردات کالاهای اساسی بدون اختلال انجام شود. انبارها مملو از کالا باشد و ذخایر استراتژیک در سطح مطلوب حفظ شود. با وجود مراجعات مکرر، برگزاری جلسات متعدد، مکاتبات رسمی و پیگیری‌های مستمر، تاکنون نتیجه مشخص و امیدوارکننده‌ای حاصل نشده است. هنوز پاسخ قانع‌کننده‌ای از سوی نهادهای مسئول از جمله وزارت اقتصاد و بانک مرکزی درباره زمان تسویه این مطالبات دریافت نشده است.

وی خاطرنشان کرد: دولت باید هرچه سریع‌تر برای تعیین تکلیف مطالبات معوق اقدام کند، زیرا تقویت بنیه مالی تأمین‌کنندگان به‌معنای افزایش تاب‌آوری کشور در شرایط بحرانی است. در آخرین مکاتباتی که تشکل‌های مرتبط انجام دادند، طی نامه‌ای رسمی از مقامات عالی‌رتبه کشور درخواست شد برای حل این مسئله و پرداخت موقوفات ارزی فعالان اقتصادی، دستورات و تمهیدات لازم صادر شود. امروز تقریباً تمامی واردکنندگان تحت فشار جدی قرار دارند. بخش قابل توجهی از آنها به دلیل عدم تأمین ارز با مشکلات مالی گسترده مواجه شده‌اند و در بسیاری از موارد به فروشندهان خارجی به‌هنگار

اگر پول از طلا خارج شود و وارد سرمایه‌گذاری مولد در بورس شود، این اتفاق می‌تواند برای اقتصاد مفید باشد. اما اگر سرمایه‌گذار خرد فقط به دلیل چند روز رشد شاخص، بدون تحلیل و با ترس از جا ماندن وارد بازار شود، خطر تازه‌ای شکل می‌گیرد. تجربه اقتصاد ایران نشان داده است که ورود هیجانی مردم به بازارها، اگر با آموزش، شفافیت و نقدشنودنگی همراه نباشد، می‌تواند به بی‌اعتمادی تازه ختم شود.

سرمایه‌گذار خرد در چنین شرایطی مقصر نیست. او در حال دفاع از ارزش دارایی خود است. وقتی تورم بالا باشد و پول ملی قدرت خرید خود را از دست بدهد، خانوار طبیعی است که به دنبال پناهگاه بگردد. گاهی این پناهگاه طلاست، گاهی دلار، گاهی خودرو و گاهی بورس. مشکل اصلی این نیست که مردم به دنبال حفظ دارایی‌اند، مشکل این است که اقتصاد آنها را ناچار کرده هر روز معامله‌گر شوند.

وظیفه اقتصاد سالم این نیست که شهروندی را به نوسان‌گیر تبدیل کند. مردم نباید برای حفظ ارزش پس‌انداز خود مجبور باشند هر روز قیمت دلار، طلا، سکه، خودرو و شاخص بورس را دنبال کنند. در اقتصاد ثباتی، بخش بزرگی از جامعه می‌تواند با درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مطمئن زندگی کند. اما در اقتصاد تورمی، حتی خانوار محتاط هم ناچار می‌شود رفتار سرمایه‌گذارانه پیدا کند؛ نه از سر طمع، بلکه از ترس عقب ماندن از تورم. این

عضو انجمن واردکنندگان برنج اظهار کرد: افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، رشد تعرفه‌های گمرکی، موقوفات ارزی و فشار بر واردکنندگان، مجموعه عواملی هستند که، نه تنها قیمت کالاهای اساسی از جمله برنج را افزایش داده‌اند، بلکه تاب‌آوری زنجیره تأمین کشور در شرایط بحرانی را نیز کاهش داده‌اند. عضو انجمن واردکنندگان برنج - در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی - عضو انجمن واردکنندگان برنج با بیان اینکه جنگ بازرگانی دیگر از این نوع است، گفت: «تأمین غذا و حفظ ثبات بازار کالاهای اساسی است. از این منظر، یکی از نقاط قوت کشور در جریان جنگ اخیر، مدیریت نسبی تأمین کالای اساسی و حفظ ذخایر راهبردی بود. در شرایطی که بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر به دلیل بحران‌های زنجیره تأمین، جنگ‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیکی با کمبود برخی اقلام غذایی مواجه شدند، ایران توانست از طریق ذخایر استراتژیک و مدیریت واردات، از بروز بحران جدی در بازار کالاهای اساسی جلوگیری کند.

وی ادامه داد: این تجربه نشان داد که ذخایر راهبردی گندم، برنج، روغن، شکر و سایر کالاهای ضروری باید به‌عنوان یک سرمایه ملی دیده شود و توسعه آنها در اولویت سیاست‌گذاری‌های آینده دولت قرار گیرد. افزایش هزینه حمل‌ونقل، رشد هزینه‌های انرژی و افزایش هزینه‌های بسته‌بندی موجب شد بسیاری از واحدهای صنایع غذایی با رشد هزینه تولید و کاهش حاشیه سود مواجه شوند. در چنین شرایطی، طبیعی بود که بخشی از این هزینه‌ها به بازار مصرف منتقل شود و فشار بیشتری بر خانوارها وارد سازد.

می‌تواند به سرمایه تبدیل شود. پولی که هر روز از بازاری به بازار دیگر فرار می‌کند، بیشتر شبیه واکنش دفاعی است تا سرمایه‌گذاری دفاعی از ارزش دارایی. جای خلق ارزش را نمی‌گیرد. سرمقاله امروز بر همین نکته تأکید دارد: پول داغ، اقتصاد را گرم نمی‌کند. ممکن است تابلوها را سبز کند، صف خرید بسازد و چند روز هیجان ایجاد کند، اما اگر به تولید، به‌رووری و سرمایه‌گذاری واقعی وصل نشود، اثر آن موقت است. اقتصاد سرد زمانی گرم می‌شود که سرمایه به جای فرار میان دارایی‌ها، در مسیر ساختن ظرفیت‌های تازه قرار گیرد.

در نهایت، عقب‌نشینی طلا و جهش بورس را باید فرصت دانست، اما فرصتی مشروط. اگر سیاست‌گذار از این فرصت برای تعمیق بازار سرمایه، حمایت از تأمین مالی تولید، افزایش شفافیت و کنترل تورم استفاده کند، می‌توان امیدوار بود بخشی از نقدینگی از مسیر سفته‌بازی فاصله بگیرد. اما اگر همه چیز به موج و هیجان سپرده شود، پول داغ دوباره مقصد خود را عوض خواهد کرد. اقتصاد ایران به بازاری نیاز دارد که مردم در آن سرمایه‌گذاری کنند، نه بازاری که مردم در آن پناه بگیرند. تفاوت این دو، تفاوت میان اقتصاد گرم و اقتصاد سرد است. تا زمانی که پول به دنبال پناهگاه می‌دود، اقتصاد همچنان از نااطمینانی رنج می‌برد. روزی می‌توان از رونق واقعی سخن گفت که پول نه از ترس تورم، بلکه از امید به تولید و آینده وارد بازارها شود.

بازار سرمایه هم برای جذب سالم نقدینگی باید قواعد روشن داشته باشد. سهامدار باید بداند اطلاعات شرکت‌ها شفاف است، معاملات نقدشونده است، تصمیم‌های ناگهانی سود صنایع را نابود نمی‌کند و نهاد ناظر از حقوق سرمایه‌گذار خرد دفاع می‌کند. اگر چنین نباشد، پول داغ شاید وارد بورس شود، اما ماندگار نمی‌شود. پول ماندگار به اعتماد نیاز دارد؛ پول داغ فقط به موج نیاز دارد. در این نقطه، سیاست‌گذار نباید از رشد شاخص بورس بیش از حد ذوق‌زده شود. شاخص سبز همیشه به معنای رونق اقتصادی نیست. همان‌طور که افت طلا همیشه به معنای آرامش پایدار نیست، باید دید جریان پول به کجا می‌رود، چقدر می‌ماند و چه اثری بر تولید دارد. اگر نقدینگی فقط از طلا به بورس و از بورس به دلار حرکت کند، اقتصاد در ظاهر بر ترحم است، اما در باطن سرد می‌ماند. مسئله اصلی، تبدیل نقدینگی سرگردان به سرمایه‌گذاری مولد است. این کار با شعار ممکن نیست. نیاز به ثبات مقررات، مهار تورم، شفافیت سیاست ارزی، اصلاح نظام بانکی، اعتماد به بازار سرمایه و کاهش ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی دارد.

اینکه این روند مستمّل با اتخاذ راهکارهای عملیاتی و مؤثر، هرچه سریع‌تر برای حل این معضل اقدام کنند، گفت: پرداخت موقوفات ارزی به تأمین‌کنندگان این امکان را می‌دهد که چرخه واردات دوباره با قدرت به حرکت درآید و زنجیره تأمین دچار اختلال نشود. در غیر این صورت، کشور با چالش‌های قابل توجهی در تأمین کالاهای اساسی مواجه خواهد شد. در شرایط حساس کنونی، تأمین غذای کشور یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاب‌آوری اقتصادی و حفظ ثبات داخلی است؛ از این رو حفظ پایداری زنجیره تأمین کالاهای اساسی باید در اولویت تصمیم‌گیری‌های کلان قرار گیرد.

ذخایر کالایی؛ رکن راهبردی امنیت غذایی کشور
حسلی ضمن تأکید بر اینکه نگهداری و حفظ این ذخایر نه تنها یک اقدام مثبت، بلکه یک ضرورت راهبردی است، به بررسی برخی چالش‌های موجود در روند نظارت و بازرسی انبارها پرداخت و مدعی شد: در دوره اخیر شاهد برخی ناهماهنگی‌ها در روند نظارت و بازرسی انبارها بودیم. در مواردی، بازرسی‌ها به‌صورت غیرمتعارف، روزانه و مداوم انجام می‌شد و گاهی نیز بدون کارشناسی کافی و بررسی دقیق وضعیت کالا، پرونده‌سازی صورت می‌گرفت یا کالاهای توقیف می‌شدند. چنین اقداماتی در برخی موارد باعث ماندگاری طولانی مدت کالا در انبار، فساد کالا و در نهایت کاهش عرضه به بازار می‌شد. این موضوع خود می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و ایجاد کمبود در بازار منجر شود. عضو انجمن واردکنندگان برنج افزود: این مسئله به مسئولان و

مراجع ذی‌ربط منتقل شده و انتظار این است که نهادهای نظارتی و بازرسی، فرآیند کنترل و نظارت را با دقت، مدیریت و کارشناسی بیشتری انجام دهند. انتظاری در روند نظارت‌ها با بررسی‌های تخصصی‌تر و دقیق‌تر همراه باشد. هدف این است که از بروز مشکلاتی مانند کمبود کالا در بازار، فساد کالا در انبارها به دلیل توقیف طولانی مدت، آسیب به اعتبار فعالان اقتصادی و دل‌سردی آن‌ها جلوگیری شود. فعالان اقتصادی، تجار و بازرگانان در عمل سربازان جبهه اقتصادی کشور هستند و باید شرایطی فراهم شود که بتوانند با آرامش و توان بیشتری برای تأمین امنیت غذایی کشور فعالیت کنند.

افزایش هزینه‌های واردات، عامل اصلی رشد قیمت برنج
حسلی افزایش قیمت‌های جهانی، رشد هزینه‌های حمل‌ونقل به‌ویژه در شرایط جنگی، محدودیت‌های ناشی از اختلال در بنادر جنوبی کشور، افزایش هزینه‌های انرژی و همچنین رشد تعرفه‌های گمرکی را از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر قیمت برنج عنوان و تأکید کرد: بخشی از این عوامل خارج از کنترل دولت است؛ مانند افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل جهانی، اما بخشی دیگر کاملاً قابل مدیریت است. یکی از مهم‌ترین موارد، کاهش هزینه‌های گمرکی است. در حال حاضر هزینه‌های گمرکی هر کیلوگرم برنج حدود ۴۰ هزار تومان است که رقم قابل توجهی محسوب می‌شود و کاهش آن می‌تواند نقش مؤثری در جلوگیری از افزایش بیشتر قیمت‌ها داشته باشد. کاهش هزینه‌های مرتبط با مجوزها از جمله هزینه‌های استاندارد، بهداشت، مالیات بر ارزش افزوده، معافیت‌های گمرکی، معافیت‌های مالیاتی و همچنین تسهیل در اخذ ضمانت‌نامه‌ها می‌تواند فشار وارد بر واردکنندگان را کاهش دهد. این اقدامات در نهایت می‌تواند به کنترل قیمت در بازار کمک کند و انتظار ما این است که دولت این موارد را با جدیت بیشتری دنبال کند.

خبرنامه



ثبت‌نام ۵۵ هزار بنگاه اقتصادی در طرح حمایت از اشتغال

تعداد ۵۵ هزار و ۵۳۲ بنگاه اقتصادی تا تاریخ ۲۰ خرداد ۱۴۰۵، در سامانه طرح حمایت از حفظ اشتغال بنگاه‌ها در شرایط اضطرار ثبت‌نام کرده‌اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، طبق آخرین آمار از وضعیت اجرای طرح حمایت از حفظ اشتغال بنگاه‌های اقتصادی در شرایط اضطرار تا تاریخ ۲۰ خرداد ماه سال جاری، تعداد ۵۵ هزار و ۵۳۲ بنگاه اقتصادی در سامانه کات برای طرح حمایت از حفظ اشتغال ثبت‌نام کرده‌اند. این بنگاه‌ها به طور متوسط ۲۵ کارمند دارند و مجموع تعداد کارکنان آنها ۵۳۶،۵۳۷ نفر است.

مبلغ تسهیلات درخواستی این بنگاه‌ها مجموعاً ۱۶ هزار و ۹۳۸ میلیارد تومان بوده و میانگین تسهیلات درخواستی به هر بنگاه حدود ۰.۸ میلیارد تومان است. از مجموع ثبت‌نام‌ها، ۳۸ درصد مشمول دریافت تسهیلات شناخته شده‌اند و ۸۴ درصد درخواست‌ها به بانک‌ها ارجاع شده است.

در حال حاضر فرآیند بررسی و پرداخت تسهیلات در مراحل مختلفی قرار دارد. تا این تاریخ ۲۴ هزار و ۲۶ بنگاه اطلاعات هویتی خود را تأیید کرده‌اند، ۲،۴۳۰ مورد درخواست تسهیلات ثبت شده، ۵۹۴ مورد در مرحله بررسی ادارات کل استان قرار دارند.

بر این اساس همچنین ۱۸،۴۷۲ درخواست به مرحله بررسی مؤسسات عامل رسیده و در نهایت ۱،۵۴۳ مورد پرداخت تسهیلات اعلام شده است.

از نظر اندازه بنگاه‌ها، بنگاه‌های کوچک (۱ تا ۱۰ نفر) بیش قابل توجهی از متقاضیان را تشکیل می‌دهند، اما بنگاه‌های متوسط و حتی بزرگ (بالای ۲۰۰۰ نفر) نیز در طرح مشارکت فعال دارند. روند زمانی پرداخت تسهیلات نشان می‌دهد که در اواخر خرداد ۱۴۰۵ تعداد پرداخت‌ها شتاب بیشتری گرفته و در برخی روزها به بیش از ۱۰۰ تا ۱۶۰ مورد رسیده است.

میانگین زمان‌های پردازش طرح نشان می‌دهد میانگین زمان از ثبت درخواست تا ارجاع به بانک ۱۲ روز، میانگین زمان تا پرداخت نهایی ۲۹ روز، میانگین زمان تا تأیید کمیته استانی ۳۱ روز و میانگین زمان تا اعلام درخواست تا پرداخت ۲۶ روز بوده است.

دام عشایری حمایت می‌شود

سرپرست معاونت امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی از آمادگی این معاونت برای حمایت همه‌جانبه از تولید دام سبک عشایری خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر، روح‌اله زحمتکش، سرپرست معاونت امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی در نشست تخصصی با جهانبخش میزباند رئیس سازمان عشایری کشور به منظور هماهنگی بین‌بخشی و رفع موانع تولید در دامداری‌های عشایری، ضمن بررسی راهکارهای عملیاتی توسعه پایدار دامداری‌های عشایری و تأمین نهاده‌های دامی، همکاری بین‌بخشی این معاونت و سازمان امور عشایر را ضمن افزایش بهره‌وری و راندمان تولید در جامعه عشایری و گامی مؤثر در جهت امنیت غذایی پایدار و حفظ سبک زندگی مولد و مزداری این قشر مؤثر دانست.

وی «مدیریت تولید برای نقش‌آفرینی در فرآیند تأمین، توزیع و توسعه پایدار دامداری‌های عشایری برشمرد و گفت: روش‌هایی نظیر همزمانی فعلی، تلقیح مصنوعی و پروژه‌های جفت‌گیری برنامه‌ریزی شده در گله‌های عشایری به منظور تنظیم فصل زایش، افزایش بازدهی و کاهش تلفات بره و بزغاله باید به کار گرفته شود. وی «نگهداری و توسعه بانک ژنتیک دام‌های بومی» را دیگر راهکار برای حمایت از دام عشایری اعلام کرد و افزود: جمع‌آوری ذخیره‌سازی و تکثیر ژن‌های دام‌های سازگار با اقلیم سخت عشایری به عنوان یک سرمایه ملی برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی باید مورد توجه قرار گیرد.

به گفته این مقام مسئول، به منظور توانمندسازی تعاونی‌ها و اتحادیه‌های عشایری برای نقش‌آفرینی در فرآیند تأمین، توزیع و بازپرداخت نهاده‌ها، نه صرفاً به عنوان واسطه باید «شبکه» شکل‌های عشایری به عنوان بازوان حمایتی ایجاد و تقویت شود. زحمتکش، تأمین خوراک مدت‌دار توسط تشکلهای حمایتی و دوره پروراندی هدفمند را از الگوهای عملیاتی برای رفع مشکل اصلی دامداری عشایری اعلام کرد و گفت: در تأمین خوراک دام باید نهاده‌های دامی (کنسانتره، جو، سبوس و مکمل‌های معدنی) به صورت اعتباری و زمان‌بندی شده در اختیار دامداران عشایر قرار گیرد و دامدار پس از دریافت خوراک، دام‌های مازاد یا آماده پروار را طی یک دوره مشخص (معمولاً ۹۰ تا ۱۲۰ روز) پروار کرده و به وزن بازاری برساند.

وی بر تضمین خرید و بازپرداخت تسهیلاتی به عنوان دیگر الگوی عملیاتی برای رفع مشکل دامداری عشایری تأکید کرد و ادامه داد: پس از طی دوره پروراندی، بخشی از گوشت تولیدی به قیمت توافقی (با اولویت تنظیم بازار داخلی و ذخایر راهبردی) خریداری می‌شود، وجوه حاصل از فروش، ضمن تأمین سود دامدار، به عنوان بازپرداخت تسهیلات نهاده‌ای به تشکلهای یا صندوق‌های حمایتی برگردانده می‌شود. این مدل، چرخه تولید را پایدار و وابستگی به اعتبارات دولتی را کاهش می‌دهد.

رفع چالش‌های ساختاری عشایر مورد تأکید است

جهانبخش میزباند، رئیس سازمان عشایری کشور نیز در این نشست، با تأکید بر نقش راهبردی عشایر به عنوان «حافظان مرزها و سرمایه‌های فرهنگی و تولیدی کشور»، هر چادر عشایری را معادل یک کارگاه چندمنظوره تولیدی، فرهنگی و مرزی توصیف کرد. وی با اشاره به ظرفیت‌های کم‌نظیر این حوزه از قبیل تولید گوشت قرمز، فرآورده‌های لبنی و حفظ ذخایر ژنتیکی دام‌های بومی، بر رفع چالش‌های ساختاری نظیر نبود دسترسی پایدار به نهاده‌های دامی، نوسانات اقلیمی، کوچ اجباری و کمبود تسهیلات سرمایه در گردش تأکید کرد.

در پایان این نشست مقرر شد؛ با توجه به شرایط خاص حاکم بر دامپروری عشایری (از جمله محدودیت‌های اعتباری، خشکسالی و نوسانات بازار)، «بررسی سئو سازوکارهای حمایت تسهیلاتی و مالی از طرف معاونت امور تولیدات دامی»، «طراحی بسته اعتباری ویژه برای دامداران عشایری با کارمزد پایین و دوره تنفس مناسب»، «تعیین سازوکار تضمین خرید محصولات پرواری با اولویت حمایت از عشایر کوچک‌رو»، «راه‌اندازی پایلوت‌های منطقه‌ای برای اجرای مدل «نهاده در ازای محصول» در چند استان عشایرخیز» برنامه‌ریزی و عملیاتی شود.

فرصت امروز: بورس تهران دوباره در مرکز توجه اقتصاد ایران قرار گرفته است. عبور شاخص کل از کانال ۴.۸ میلیون واحد، فقط یک رکورد عددی نیست؛ نشانه‌ای است از بازگشت هیجان، افزایش تقاضا و حرکت دوباره نقدینگی به سمت بازار سهام. صف‌های خرید سنگین، رشد گسترده نمادها و افزایش ارزش معاملات نشان می‌دهد بازار سرمایه بار دیگر برای سهامداران خرد و حرفه‌ای جذاب شده است. اما پرسش اصلی این است: آیا اعتماد به بورس برگشته یا بازار فقط میزبان موج تازه‌ای از پول داغ شده است؟

بازار سرمایه در ایران همیشه دو چهره داشته است. یک چهره آن، نهادهی مهم برای تأمین مالی تولید، جذب پس‌اندازها و مشارکت مردم در رشد شرکت‌هاست. چهره دیگر آن، بازاری هیجانی است که در دوره‌های تورمی می‌تواند مقصد نقدینگی سرگردان شود. تفاوت این دو چهره بسیار مهم است. اگر پول وارد بورس شود و به سرمایه‌گذاری بلندمدت، افزایش سرمایه شرکت‌ها و تأمین مالی تولید وصل شود، رشد شاخص می‌تواند خیر خوبی برای اقتصاد باشد. اما اگر ورود پول فقط از جنس موج کوتاه‌مدت و ترس از عقب ماندن باشد، بازار ممکن است دوباره با نوسان‌های سنگین روبه‌رو شود.

قله عددی و حافظه بازار

عبور شاخص از یک سطح مهم، همیشه اثر روانی دارد. عدد ۴.۸ میلیون واحد برای بسیاری از فعالان بازار فقط یک رقم روی تابلو نیست؛ نشانه‌ای از قدرت‌نمایی دوباره بورس است. وقتی شاخص به قله تازه می‌رسد، کسانی که مدت‌ها از بازار دور بودند دوباره آن را دنبال می‌کنند. سهامداران قدیمی امیدوار می‌شوند بخشی از زیان‌های گذشته جبران شود. سرمایه‌گذاران تازه‌وارد نیز احساس می‌کنند شاید فرصت جدیدی آغاز شده است.

اما بورس ایران با حافظه سنگینی حرکت می‌کند. تجربه دوره‌های قبلی هنوز در ذهن سهامداران مانده است؛ روزهایی که شاخص رشد کرد، موج ورود پول شکل گرفت، تبلیغات و خوش‌بینی زیاد شد، اما بعد از تغییر مسیر بازار، بسیاری از سهامداران خرد در صف‌های فروش گرفتار شدند. همین تجربه باعث می‌شود رکورد امروز اگر چه هیجان‌آفرین است، اما برای بخش بزرگی از بازار با احتیاط همراه باشد. اعتماد در بازار مالی با چند روز رشد ساخته نمی‌شود. اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که سهامدار بدانند بازار در روزهای منفی هم نقدشونده است، اطلاعات شرکت‌ها شفاف منتشر می‌شود، مقررات ناگهانی تغییر نمی‌کند و سیاست‌گذار به جای حمایت نمایشی، از قواعد پایدار بازار دفاع می‌کند. اگر این شروط فراهم نباشد، رشد شاخص می‌تواند موقت و شکننده باشد.

پول داغ چیست؟

در ادبیات اقتصادی، پول داغ به نقدینگی‌ای گفته می‌شود که به سرعت میان بازارها جابه‌جا می‌شود و بیشتر دنبال سود کوتاه‌مدت است تا سرمایه‌گذاری بلندمدت. این پول امروز ممکن است وارد بورس شود، فردا به طلا برود، پس‌فردا در دلار بنشیند و بعد به خودرو یا صندوق‌های درآمد ثابت منتقل شود. پول داغ بازار را سریع گرم می‌کند، اما همان‌قدر هم می‌تواند سریع از آن خارج شود. ورود چنین پولی به بورس در کوتاه‌مدت شاخص را بالا می‌برد و صف خرید می‌سازد، اما اگر پشتوانه بنیادی نداشته باشد، بازار را آسیب‌پذیر و شکننده باشد.

می‌کند. چون وقتی اولین نشانه اصلاح ظاهر شود، همین پول می‌تواند به موج خروج تبدیل شود. در این حالت، رشد بازار به جای آنکه نشانه بازگشت اعتماد باشد، بیشتر نشانه جابه‌جایی کوتاه‌مدت نقدینگی میان دارایی‌هاست.

برای تشخیص اینکه رشد بورس از جنس اعتماد است یا پول داغ، باید چند نشانه را دید. آیا ارزش معاملات پایدار می‌ماند؟ آیا پول حقیقی چند روز متوالی وارد بازار می‌شود؟ آیا صندوق‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت تقاضا دارند؟ آیا تقاضا فقط در نمادهای کوچک و صف‌ساز متمرکز است یا به شرکت‌های بنیادی هم رسیده است؟ آیا بازار در روزهای اصلاح هم نقدشونده می‌ماند؟ پاسخ این پرسش‌ها مهم‌تر از رکورد عددی شاخص است.

رشد فراگیر؛ فرصت یا هشدار؟

یکی از نکات مهم در صعود اخیر، فراگیری تقاضاست. وقتی تعداد زیادی از نمادها مثبت می‌شوند و صف خرید شکل می‌گیرد، بازار از حالت رشد محدود چند سهم بزرگ خارج می‌شود. رشد شاخص هم‌وزن و افزایش تقاضا در نمادهای کوچک‌تر می‌تواند نشانه بهبود عمومی فضای بازار باشد. این اتفاق برای سهامداران خرد جذاب است، چون احساس می‌کنند رشد فقط به چند شرکت بزرگ محدود نشده است.

اما رشد فراگیر اگر بدون تحلیل باشد، می‌تواند هشدار هم باشد. بازار سالم باید میان شرکت سودآور و شرکت زیان‌ده، میان صنعت دارای چشم‌انداز و صنعت پرریسک، میان سهم ارزنده و سهم گران تفاوت بگذارد. اگر تقریباً همه چیز با هم بالا برود، احتمال رفتار هیجانی بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، سهامدار تازه‌وارد ممکن است بدون توجه به صورت‌های مالی، سودآوری و ریسک صنعت، فقط به صف خرید نگاه کند.

این همان نقطه‌ای است که بازار به آموزش، تحلیل و هشدار نیاز دارد. رشد بورس نباید به دعوت عمومی برای خرید بی‌محابا تبدیل شود. تجربه گذشته نشان داده است که هزینه ورود هیجانی را معمولاً سهامدار خرد می‌پردازد. بنابراین در روزهای صعودی هم باید درباره ریسک، ارزش‌گذاری و افق سرمایه‌گذاری سخن گفت.

آیا سودآوری شرکت‌ها از شاخص حمایت می‌کند؟

بورس برای رشد پایدار به سودآوری واقعی شرکت‌ها نیاز دارد. اگر قیمت سهام بالا برود اما سود شرکت‌ها رشد نکنند، نسبت قیمت به سود افزایش می‌یابد و بازار گران‌تر می‌شود. در این حالت، ادامه رشد به ورود پول تازه وابسته می‌شود و هر کاهش در جریان نقدینگی می‌تواند بازار را تحت فشار بگذارد.

شرکت‌های بورسی از متغیرهای مختلفی اثر می‌گیرند: نرخ ارز، قیمت جهانی کالاها، هزینه انرژی، نرخ بهره، سیاست مالیاتی، قیمت‌گذاری دستوری، محدودیت‌های صادراتی و وضعیت تقاضای داخلی. اگر این متغیرها به سودآوری شرکت‌ها کمک کنند، رشد بورس می‌تواند توجیه بنیادی داشته باشد. اما اگر سودآوری شرکت‌ها تحت فشار باشد و فقط قیمت سهام بالا برود، بازار از واقعیت اقتصادی فاصله می‌گیرد. به همین دلیل، سرمایه‌گذار باید میان رشد شاخص و رشد ارزش واقعی تفاوت بگذارد. شاخص می‌تواند در اثر تورم، انتظارات و ورود نقدینگی رشد کند، اما ارزش واقعی بازار زمانی بالا می‌رود که شرکت‌ها

پول تازه یا فقط هیجان؟



فروش بیشتر، سود عملیاتی بهتر، بهره‌وری بالاتر و برنامه توسعه روشن‌تری داشته باشند.

نقش سیاست‌گذار؛ حمایت یا دخالت؟

در دوره‌های صعود بورس، نقش سیاست‌گذار حساس‌تر می‌شود. دولت و نهاد ناظر نباید از رشد شاخص به عنوان دستاورد نمایشی استفاده کنند. وظیفه سیاست‌گذار بالا بردن مصنوعی شاخص نیست؛ وظیفه او حفظ شفافیت، نقدشوندگی، ثبات مقررات و حقوق سهامدار است. اگر بازار مثبت است، باید اجازه داد سازوکار عرضه و تقاضا کار کند. اگر بازار اصلاح شد، نباید با تصمیم‌های شتاب‌زده آن را قفل کرد. حمایت درست از بورس یعنی کاهش تصمیم‌های ناگهانی درباره صنایع، پرهیز از قیمت‌گذاری‌های مخرب، تقویت بازارگردانی واقعی، توسعه ابزارهای مدیریت ریسک و تشویق سرمایه‌گذاری غیرمستقیم از طریق صندوق‌ها. حمایت غلط یعنی تشویق مردم به خرید، سبزی نگه داشتن ظاهری تابلو یا استفاده از بورس برای جذب کوتاه‌مدت نقدینگی از بازار ارز و طلا.

بورس اگر قرار است به اقتصاد کمک کند، باید به تأمین مالی تولید وصل شود. رونق معاملات ثانویه خوب است، اما کافی نیست. باید شرکت‌ها بتوانند از مسیر افزایش سرمایه، عرضه پروژه، انتشار اوراق و ابزارهای مالی، منابع واقعی جذب کنند. در غیر این صورت، بازار فقط محلی برای جابه‌جایی سود و زیان میان سهامداران خواهد بود.

سهامدار خرد چه باید بکند؟

سهامدار خرد در چنین روزهایی بیش از همیشه باید مراقب باشد. ورود به بازار در روزهای صف خرید، بدون شناخت سهم و صنعت، ریسک بالایی دارد. بازار صعودی می‌تواند وسوسه‌کننده باشد، اما هیچ بازاری همیشه صعودی نمی‌ماند. سرمایه‌گذاری در بورس نیازمند افق زمانی، مدیریت ریسک و پرهیز از تصمیم‌های هیجانی است. برای بسیاری از مردم، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم از مسیر صندوق‌های معتبر گزینه منطقی‌تری است. همه افراد زمان، دانش و ابزار تحلیل سهام ندارند. ورود مستقیم بدون آموزش می‌تواند زیان‌بار باشد. بازار سرمایه باید محل سرمایه‌گذاری آگاهانه باشد، نه مسابقه صف‌نشینی.

جمع‌بندی؛ قله شاخص یا قله اعتماد؟

بورس تهران امروز در قله ۴.۸ میلیونی ایستاده است. این اتفاق می‌تواند فرصت مهمی برای بازگشت بازار سرمایه به نقش اصلی خود باشد؛ یعنی تأمین مالی تولید، جذب پس‌اندازها و ایجاد مسیر سرمایه‌گذاری برای مردم. اما این فرصت فقط زمانی پایدار می‌شود که رشد شاخص به اعتماد، سودآوری و نقدشوندگی وصل شود.

اگر رشد امروز حاصل بازگشت اعتماد باشد، باید در روزهای آینده نشانه‌های آن دیده شود: معاملات پایدار، اصلاح‌های طبیعی بدون قفل شدن بازار، ورود پول بلندمدت، شفافیت اطلاعات و ثبات تصمیم‌های سیاست‌گذار. اما اگر بازار فقط با پول داغ بالا رفته باشد، هر خبر منفی یا هر اصلاح کوتاه می‌تواند موج خروج ایجاد کند.

بورس برای عبور واقعی از رکوردها، فقط به عدد بالاتر نیاز ندارد. به اعتمادی نیاز دارد که از تجربه‌های تلخ گذشته عبور کرده باشد. شاخص می‌تواند قله تازه بسازد، اما اگر اعتماد ساخته نشود، این قله هم می‌تواند لرزان باشد.

چهار پیشنهاد برای عبور دولت از تنگنای مالی

غیبی‌پور، سه راهکار را برای عبور اقتصاد ایران از تنگنای مالی پیشنهاد داد و گفت: موضوع اول به بحث توافقات سیاسی مربوط می‌شود که امیدواریم با عقلانیتی که صورت می‌گیرد بتوانیم سبب درآمد‌های نفتی و ارزی را پررنگ کنیم. نکته دیگر این‌که در ۹ ماه باقی‌مانده از سال با جدیت بحث توسعه صادرات و بازسازی صنایع را مدنظر قرار دهیم.

وی با بیان این‌که راهکار سوم برای مدیریت منابع کاهش هزینه‌های دولت است تأکید کرد: بخشی از هزینه‌ها مثل حقوق و دستمزد را نمی‌توان کاهش داد ولی هزینه‌های جانبی از قبیل برگزاری سمینارها، همایش‌ها و ریخت و پاش‌های این‌چنینی را می‌توان پایین آورد.

کارشناس مسائل اقتصادی و امور مالیاتی گفت: در چنین شرایطی معمولاً کشورها به استقراض خارجی یا تأمین مالی داخلی رو می‌آورند اما استفاده از این ظرفیت در شرایط فعلی برای ما سخت است. تأمین مالی داخلی هم رقم چندانی نیست که بتوان روی آن حساب کرد. معمولاً صندوق‌های بین‌المللی، تسهیلاتی می‌دهند که امیدواریم موانعی برای آن ایجاد نشود.

به گفته غیبی‌پور اگر مذاکرات به نتیجه نرسد عملاً دولت مجبور است در نیمه دوم سال از بانک مرکزی مجوز استقراض پول و تزریق نقدینگی بگیرد و بخشی از کسری بودجه را با چاپ پول و تورم که در واقع مالیات غیرمستقیم از جیب مردم محسوب می‌شود جبران کند.

این باعث کاهش قدرت خرید مردم می‌شود. وی با اشاره به سهم پایین مالیات در تولید ناخالص داخلی ایران گفت: در حال حاضر بین ۷ تا ۸.۵ درصد از GDP کشور از طریق

مالیات تأمین می‌شود که اگر عوارض شهرداری را به آن اضافه کنیم به حدود ۱۲ درصد می‌رسد؛ در حالی که در کشوری مثل ترکیه این عدد حدود ۲۰ درصد است.

این کارشناس امور مالیاتی در عین حال بیان کرد: سیاست‌های مالیاتی زمان‌بر است. شاید بتوانید در یک روند فرار مالیاتی را کاهش دهید ولی اینکه در یک دوره ۹ ماهه جلوی تمام فرارهای مالیاتی را بگیرید امکان‌پذیر نیست. با این حال می‌توان کیفیت وصول مالیات را افزایش داد. هر قدر کیفیت رسیدگی به داده‌های مالیاتی دقیق‌تر و منسجم‌تر باشد سهم دولت افزایش می‌یابد. باید داده‌ها باید قوی باشد و این می‌تواند به وصول مالیات بهتر کمک کند.

غیبی‌پور گفت: افزایش مالیات‌ها باید با کاهش ضریب جینی همراه باشد. در حال حاضر ما در بحث ضریب جینی و توزیع عدالت دچار مشکل هستیم. تا توزیع درآمد عادلانه نشود حتی اگر دولت مالیات بیشتری بگیرد مشکلات به قوت خود باقی می‌ماند. ما در توزیع درآمد تقریباً صدمین کشور دنیا هستیم که باید در این بخش بهتر عمل کنیم.

بنابراین گزارش، مجلس شورای اسلامی برای درآمد‌های مالیاتی در قانون بودجه ۱۴۰۵ رقم ۲۹۰۰ همت را به عنوان تکلیف دولت مشخص کرده که رئیس کل سازمان امور مالیاتی می‌گوید با توجه به شرایط فعلی انتظاران این است که مجلس این عدد را پایین‌تر بیاورد؛ چرا که وقتی مودی بزرگ ما در حوزه فولاد و پتروشیمی و سایر مودیاتی که در این زنجیره قرار می‌گیرند آسیب دیده‌اند می‌بایستی اصلاح متناسب با این شرایط اتفاق بیفتد.

اخبار



ظرفیت ۶۰ میلیارد دلاری بازار مسکن برای جذب سرمایه

رئیس انجمن صنعت ساختمان گفت: حدود ۶۰ میلیارد دلار سرمایه را کسد در اقتصاد ایران وجود دارد که در صورت تحقق ثبات و امنیت اقتصادی، می تواند به بازار مسکن و بخش های مولد کشور بازگردد.

به گزارش خبرگزاری مهر، پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان با اشاره به آثار احتمالی توافقات بین المللی بر اقتصاد کشور و به ویژه بازار مسکن اظهار کرد: ایران در شرایطی مقتدرانه در مسیر مذاکره و دیپلماسی قرار دارد و در چنین فضای، دیپلماسی اقتصادی می تواند مکمل دیپلماسی سیاسی باشد و بسیاری از گرهای اقتصادی و حتی سیاسی را باز کند. وی با بیان اینکه کشور برای ورود به دوره های تازه از رشد اقتصادی نیازمند فعال شدن ظرفیت های بخش خصوصی است، افزود: امروز شرکت های قدرتمند داخلی، توسعه گران، نیروی جوان و فعالان صنعت ساختمان ظرفیت بزرگی در اختیار کشور قرار داده اند. در صورت تحقق توافق، این ظرفیت های می تواند در کنار همکاری شرکت های خارجی و از طریق سازوکارهایی مانند مشارکت، جوینت ونچر و کنسرسیوم، به جریان جدیدی از سرمایه گذاری در بخش ساختمان و مسکن منجر شود.

جوزی با اشاره به اینکه بازار مسکن و صنعت ساختمان از مهم ترین بخش های اثرپذیر از ثبات سیاسی و اقتصادی هستند، ادامه داد: سرمایه در همه جای دنیا به دنبال امنیت است و هر جا امنیت وجود داشته باشد، سرمایه نیز به همان سمت حرکت می کند. اگر توافقی مقتدرانه محقق شود و امنیت اقتصادی به منطقه بازگردد، بخش قابل توجهی از سرمایه های که امروز به دلیل نگرانی از کاهش ارزش پول ملی در بازارهایی مانند ارز و طلا نگهداری می شود، می تواند دوباره وارد اقتصاد مولد به ویژه صنعت ساختمان و بازار مسکن شود.

رئیس انجمن صنعت ساختمان با تأکید بر اینکه حجم سرمایه های سرگردان در اقتصاد ایران قابل توجه است، گفت: در برخی برآوردها از ارقامی حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار سرمایه صحبت می شود که امروز در اقتصاد کشور راکد یا غیرمولد شده است. اگر فضای امنیت و ثبات شکل بگیرد، این سرمایه ها می تواند به اقتصاد ایران بازگردد و یکی از نخستین بخش هایی که از این بازگشت منتفع می شود، بازار مسکن و صنعت ساختمان خواهد بود.

وی افزود: صنعت ساختمان به دلیل پیوند گسترده با بیش از ۱۵۰ شغل، رسته و صنعت وابسته، یک صنعت پیشران محسوب می شود؛ بنابراین ورود سرمایه به این بخش تنها به معنای ارتقای رونق ساختوساز نیست، بلکه می تواند زنجیره ای از صنایع مرتبط را فعال کند، اشتغال ایجاد کند و به حرکت عمومی اقتصاد کشور کمک کند.

جوزی با بیان اینکه گشایش سیاسی می تواند مسیر ورود سرمایه ایرانیان خارج از کشور را نیز هموار کند، اظهار کرد: علاوه بر سرمایه های داخلی، منابع مالی ایرانیان خارج از کشور نیز در صورت فراهم شدن شرایط، قابلیت ورود به اقتصاد ایران را دارد. بازگشت این سرمایه ها می تواند در بخش هایی مانند مسکن، پروژه های ساختمانی، نوسازی شهری و توسعه زیرساخت ها اثرگذار باشد و به شکوفایی اقتصاد ملی کمک کند. رئیس انجمن صنعت ساختمان یادآور شد: ایران در شرایط اقتدار در حال مذاکره و دیپلماسی است و دیپلماسی اقتصادی می تواند حتی به دیپلماسی سیاسی نیز کمک کند، چرا که وقتی کشورها ایران منافع اقتصادی داشته باشند، نگاه مثبت تری نسبت به مناسبات با ایران پیدا می کنند. وی ادامه داد: با توجه به تأکیدات رهبر معظم انقلاب بر نقش شرکت ها در توسعه زیرساخت های کشور، باید از ظرفیت شرکت های داخلی و خارجی برای توسعه عمرانی، صنعتی و زیرساختی استفاده شود. ایران توسعه گران توانمند، شرکت های قوی و نیروی انسانی جوان در اختیار دارد و زمان آن رسیده است که این ظرفیت ها برای ساخت آینده کشور به کار گرفته شود.

جوزی با اشاره به آسیب های وارد شده به زیرساخت های کشور در سال های تحریم گفت: طی سال های اخیر بخشی از زیرساخت ها فرسوده شده و نیاز جدی به تعمیر، احضاح و ایجاد زیرساخت های جدید وجود دارد. توسعه بازار مسکن نیز بدون زیرساخت مناسب امکان پذیر نیست؛ از این رو بازسازی و نوسازی زیرساخت ها می تواند زمینه ساز رونق ساختوساز و افزایش عرضه در بازار مسکن باشد.

وی بیان کرد: امیدوارم توافقی که در آن اقتدار ایران به رسمیت شناخته شده و منافع ملت ایران لحاظ شده باشد هر چه زودتر به نتیجه برسد. شأن مردم ایران بسیار بالاتر از شرایط فعلی است و کشور می تواند در اقتصاد نیز جایگاه بالاتری در منطقه و جهان به دست آورد. رئیس انجمن صنعت ساختمان گفت: سیاست گذاران کشور قطعاً به این نکته توجه دارند که آسیب های وارد شده به زیرساخت ها، جاده ها، پل ها، بناها و ساختمان ها نیازمند جبران و بازسازی است. اگر منابع احتمالی ناشی از پرداخت خسارت به درستی مدیریت شود و به بخش زیرساخت و ساختمان بازگردد، می تواند به احیای زیرساخت ها و تقویت بازار ساختوساز کمک کند.

وی تأکید کرد: بازسازی کشور نیازمند راهبری حرفه ای، مدیریت پروژه و حضور جدی بخش خصوصی است. صنعت ساختمان می تواند در این مسیر نقش محوری ایفا کند و منابع جدید را به سمت سازندگی، نوسازی و توسعه هدایت کند.

جوزی همچنین با تأکید بر ضرورت تقویت جایگاه توسعه گران در اقتصاد مسکن گفت: امروز مفهوم توسعه بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و خوشبختانه این موضوع از سوی رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و کمیسیون های مختلف مطرح می شود؛ اما باید توجه داشت که توسعه بدون توسعه گر امکان پذیر نیست.

وی با اشاره به ضرورت تصویب قانون توسعه گر افزود: قانون توسعه گر امروز در نظام حقوقی و اجرایی کشور جای خالی جدی دارد. در انجمن صنعت ساختمان پیش نویس این قانون را با همکاری حقوق دانان کشور حرفه ای با تطبیق تجربه سایر کشورها تهیه و به مجلس ارسال کرده ایم و منتظریم پس از بررسی در کمیسیون های مرتبط به تصویب برسد.

رئیس انجمن صنعت ساختمان تصریح کرد: اگر واقعاً به بخش خصوصی اعتقاد داریم، تصویب قانون توسعه گر یک ضرورت است. لازم است این قانون هر چه سریع تر در دستور کار قرار گیرد. اگر مانند گذشته دولت بزرگ ترین کارفرما باشد و پروژه ها صرفاً از مسیر پیمانکاری پیش برود، توسعه مطلوب در بازار مسکن و سایر صنایع محقق نخواهد شد.

وی یادآور شد: ابتدا باید توسعه گران شناسایی شوند، قانون آنان تصویب شود و سپس پیمانکاران در زیرمجموعه این ساختار به سمت توسعه کشور حرکت کنند. زمان آن رسیده است که با اتکا به ظرفیت بخش خصوصی، توسعه گران و صنعت ساختمان، مسیر رونق بازار مسکن، بازسازی زیرساخت ها و توسعه اقتصادی کشور با جدیت دنبال شود؛ مسیری که در صورت تحقق توافق و بازگشت امنیت اقتصادی، می تواند به یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصاد ایران تبدیل شود.

سرمایه گذار خرد کدام مسیر را انتخاب می کند؟

طلا عقب نشست، بورس جلوزد



فرصت امروز: بازارهای دارایی در ایران بار دیگر آرایش تازه ای به خود گرفته اند. طلا و سکه پس از دوره ای از رشد و نوسان، عقب نشسته اند و همزمان بورس با جهش شاخص و صف های خرید سنگین جلو آمده است. این همزمانی برای تحلیل اقتصاد ایران مهم است؛ زیرا نشان می دهد سرمایه گذار خرد، در شرایط تورمی و نااطمینانی، مدام میان بازارهای مختلف جابه جا می شود. پرسش اصلی این است که آیا پول خرد واقعاً از طلا به بورس حرکت کرده یا فقط با یک موج کوتاه مدت روبه رو هستیم؟

برای خانوار ایرانی، طلا فقط کالای زینتی نیست. طلا در سال های طولانی به پناهگاه دارایی تبدیل شده است؛ دارایی ای که مردم در برابر تورم، کاهش ارزش پول و نااطمینانی اقتصادی به آن پناه می برند. سکه نیز علاوه بر ارزش طلایی خود، به دلیل نقدشوندگی و شناخته شدگی، یکی از ابزارهای محبوب سرمایه گذاری خرد بوده است. اما وقتی قیمت طلا و سکه عقب می نشیند و همزمان بورس رشد می کند، بخشی از ذهن بازار به سمت این پرسش می رود که مقصد بعدی نقدینگی کجاست.

سرمایه گذار خرد چرا جابه جا می شود؟
سرمایه گذار خرد در اقتصاد تورمی به دنبال حفظ ارزش پول است. او ممکن است دانش حرفه ای بازار مالی نداشته باشد، اما تجربه کرده که نگهداری پول نقد در دوره تورم به کاهش قدرت خرید منجر می شود. به همین دلیل میان سپرده بانکی، طلا، سکه، دلار، خودرو، مسکن، صندوق های سرمایه گذاری و بورس انتخاب می کند. معیار او ترکیبی از امنیت، نقدشوندگی، بازده احتمالی و تجربه گذشته است.

وقتی طلا رشد می کند، بخشی از پول خرد به سمت آن می رود. وقتی بورس رشد جزئی متوالی سبز می شود، همان پول ممکن است وسوسه شود به سمت سهام حرکت کند. وقتی دلار به مرزهای حساس می رسد، بخشی از سرمایه گذاران دوباره ارز را پناهگاه امن می بینند. این جابه جایی مداوم نشان می دهد اقتصاد ایران هنوز به ثبات انتظارات نرسیده است. پول خرد آرام نمی گیرد؛ به دنبال بازاری می گردد که از تورم عقب نماند. از نگاه اقتصاد رفتاری، این جابه جایی فقط عقلانی نیست؛ روانی هم هست. وقتی مردم می بینند یک بازار چند روز رشد کرده، ترس از جا ماندن فعال می شود. وقتی بازاری افت می کند، ترس از زیان بیشتر شدت می گیرد. به همین دلیل، پول خرد گاهی دیر وارد بازار صعودی می شود و دیر هم از بازار نزولی خارج می شود. همین رفتار می تواند ریسک زیان را بالا ببرد.

طلا چرا عقب نشست؟
عقب نشینی طلا می تواند چند دلیل داشته باشد. نخست، کاهش یا توقف رشد نرخ ارز داخلی. در ایران قیمت طلا به شدت از دلار اثر می گیرد. اگر دلار آرام بگیرد یا بازار انتظار کاهش داشته باشد، طلا و سکه نیز تحت فشار قرار می گیرند. دوم، تغییر قیمت اونس جهانی. اگر قیمت جهانی طلا افت کند، بازار داخلی نیز از این مسیر اثر می پذیرد. سوم، کاهش تقاضای احتیاطی. اگر بخشی از مردم احساس کنند ریسک های کوتاه مدت کاهش یافته، تقاضا برای پناهگاه امن کمتر می شود.

اما باید توجه داشت که افت طلا همیشه به معنای خروج کامل پول از این بازار نیست. طلا در ذهن خانوار ایرانی جایگاه عمیقی دارد. بسیاری از مردم حتی در دوره کاهش قیمت، طلا را برای بلندمدت نگه می دارند. بنابراین کاهش کوتاه مدت قیمت ممکن است بیشتر ناشی از کاهش

عقب نشینی طلا می تواند چند دلیل داشته باشد. نخست، کاهش یا توقف رشد نرخ ارز داخلی. در ایران قیمت طلا به شدت از دلار اثر می گیرد. اگر دلار آرام بگیرد یا بازار انتظار کاهش داشته باشد، طلا و سکه نیز تحت فشار قرار می گیرند. دوم، تغییر قیمت اونس جهانی. اگر قیمت جهانی طلا افت کند، بازار داخلی نیز از این مسیر اثر می پذیرد. سوم، کاهش تقاضای احتیاطی. اگر بخشی از مردم احساس کنند ریسک های کوتاه مدت کاهش یافته، تقاضا برای پناهگاه امن کمتر می شود.

اما باید توجه داشت که افت طلا همیشه به معنای خروج کامل پول از این بازار نیست. طلا در ذهن خانوار ایرانی جایگاه عمیقی دارد. بسیاری از مردم حتی در دوره کاهش قیمت، طلا را برای بلندمدت نگه می دارند. بنابراین کاهش کوتاه مدت قیمت ممکن است بیشتر ناشی از کاهش

عقب نشینی طلا می تواند چند دلیل داشته باشد. نخست، کاهش یا توقف رشد نرخ ارز داخلی. در ایران قیمت طلا به شدت از دلار اثر می گیرد. اگر دلار آرام بگیرد یا بازار انتظار کاهش داشته باشد، طلا و سکه نیز تحت فشار قرار می گیرند. دوم، تغییر قیمت اونس جهانی. اگر قیمت جهانی طلا افت کند، بازار داخلی نیز از این مسیر اثر می پذیرد. سوم، کاهش تقاضای احتیاطی. اگر بخشی از مردم احساس کنند ریسک های کوتاه مدت کاهش یافته، تقاضا برای پناهگاه امن کمتر می شود.

اما باید توجه داشت که افت طلا همیشه به معنای خروج کامل پول از این بازار نیست. طلا در ذهن خانوار ایرانی جایگاه عمیقی دارد. بسیاری از مردم حتی در دوره کاهش قیمت، طلا را برای بلندمدت نگه می دارند. بنابراین کاهش کوتاه مدت قیمت ممکن است بیشتر ناشی از کاهش

عقب نشینی طلا می تواند چند دلیل داشته باشد. نخست، کاهش یا توقف رشد نرخ ارز داخلی. در ایران قیمت طلا به شدت از دلار اثر می گیرد. اگر دلار آرام بگیرد یا بازار انتظار کاهش داشته باشد، طلا و سکه نیز تحت فشار قرار می گیرند. دوم، تغییر قیمت اونس جهانی. اگر قیمت جهانی طلا افت کند، بازار داخلی نیز از این مسیر اثر می پذیرد. سوم، کاهش تقاضای احتیاطی. اگر بخشی از مردم احساس کنند ریسک های کوتاه مدت کاهش یافته، تقاضا برای پناهگاه امن کمتر می شود.

اما باید توجه داشت که افت طلا همیشه به معنای خروج کامل پول از این بازار نیست. طلا در ذهن خانوار ایرانی جایگاه عمیقی دارد. بسیاری از مردم حتی در دوره کاهش قیمت، طلا را برای بلندمدت نگه می دارند. بنابراین کاهش کوتاه مدت قیمت ممکن است بیشتر ناشی از کاهش

تقاضای جدیدی با فروش بخشی از سرمایه گذاران کوتاه مدت باشد، نه بی اعتباری کامل طلا به عنوان پناهگاه دارایی.

سکه نیز رفتاری پیچیده تر دارد. علاوه بر طلا و دلار، حباب قیمتی در بازار سکه مهم است. وقتی تقاضای سرمایه ای بالا باشد، قیمت سکه می تواند از ارزش ذاتی فاصله بگیرد. اما در دوره افت تقاضا، این حباب کوچک تر می شود و کاهش قیمت سکه می تواند شدیدتر از کاهش طلای خام باشد.

بورس چگونه جلوزد؟
در طرف دیگر، بورس با رشد شاخص و صف های خرید سنگین به صدر توجه برگشته است. دلیل جذابیت بورس در چنین مقطعی می تواند چند عامل باشد: عقب ماندگی نسبی برخی سهام ها از تورم دارایی ها، امید به رشد سودآوری شرکت ها، ورود نقدینگی تازه، افزایش انتظارات تورمی و جذاب شدن سهام در برابر طلا و دلار. وقتی بازار سرمایه چند روز قوی ظاهر می شود، سرمایه گذار خرد دوباره آن را به عنوان گزینه حفظ ارزش پول بررسی می کند.

اما بورس با طلا تفاوت اساسی دارد. طلا دارایی ساده تری است؛ مردم آن را می خرند و نگه می دارند. بورس نیازمند تحلیل، شناخت صنعت، بررسی صورت مالی، مدیریت ریسک و تحمل نوسان است. بنابراین ورود پول خرد به بورس اگر از مسیر آگاهی و صندوق های معتبر انجام شود، می تواند مفید باشد. اما اگر از جنس هیجان و صف خرید باشد، خطر تکرار تجربه های تلخ گذشته وجود دارد.

بورس زمانی مقصد سالم نقدینگی است که پول وارد شده به سرمایه گذاری بلندمدت، تامین مالی شرکت ها و افزایش عمق بازار کمک کند. اگر فقط قیمت ها را بالا ببرد و بعد با اولین اصلاح خارج شود، بازار را نوسانی تر می کند. بنابراین پرسش مهم این نیست که بورس امروز جلوزده؛ پرسش این است که آیا می تواند این موقعیت را با اعتماد و بنیاد اقتصادی حفظ کند یا نه.

رقابت میان بازارهای دارایی
در اقتصاد ایران، بازارهای دارایی با هم رقابت می کنند. دلار، طلا، سکه، مسکن، خودرو و بورس هر کدام در دوره ای مقصد نقدینگی می شوند. وقتی یکی از آنها جذابیت بیشتری پیدا کند، بخشی از پول از بازارهای دیگر خارج می شود. اما این جابه جایی همیشه کامل و پایدار نیست. سرمایه گذار خرد معمولاً میان چند دارایی تقسیم می کند و بسته به اخبار و انتظارات، وزن هر کدام را تغییر می دهد.

اگر بورس رشد کند و طلا عقب بنشیند، ممکن است بخشی از پول به سمت سهام حرکت کند. اما اگر دلار دوباره بالا برود یا بورس اصلاح کند، همان پول می تواند به طلا و سکه برگردد. این رفتار نشان می دهد بازارها به جای مسیر بلندمدت، با موج های کوتاه مدت حرکت می کنند. نتیجه آن، افزایش نوسان و کاهش امکان برنامه ریزی است.

از نگاه اقتصاد کلان، بهترین حالت این است که نقدینگی به سمت فعالیت های مولد و سرمایه گذاری واقعی برود. بورس می تواند چنین نقشی داشته باشد، اما فقط اگر به تامین مالی تولید وصل شود. طلا و دلار بیشتر نقش حفظ ارزش دارایی دارند و اثر مستقیم آنها بر تولید محدود است. بنابراین اگر رشد بورس بتواند پول خرد را از بازارهای غیرمولد به سمت بازار سرمایه هدایت کند، از نظر اقتصادی فرصت است. اما اگر این

اگر بورس رشد کند و طلا عقب بنشیند، ممکن است بخشی از پول به سمت سهام حرکت کند. اما اگر دلار دوباره بالا برود یا بورس اصلاح کند، همان پول می تواند به طلا و سکه برگردد. این رفتار نشان می دهد بازارها به جای مسیر بلندمدت، با موج های کوتاه مدت حرکت می کنند. نتیجه آن، افزایش نوسان و کاهش امکان برنامه ریزی است.

از نگاه اقتصاد کلان، بهترین حالت این است که نقدینگی به سمت فعالیت های مولد و سرمایه گذاری واقعی برود. بورس می تواند چنین نقشی داشته باشد، اما فقط اگر به تامین مالی تولید وصل شود. طلا و دلار بیشتر نقش حفظ ارزش دارایی دارند و اثر مستقیم آنها بر تولید محدود است. بنابراین اگر رشد بورس بتواند پول خرد را از بازارهای غیرمولد به سمت بازار سرمایه هدایت کند، از نظر اقتصادی فرصت است. اما اگر این

اگر بورس رشد کند و طلا عقب بنشیند، ممکن است بخشی از پول به سمت سهام حرکت کند. اما اگر دلار دوباره بالا برود یا بورس اصلاح کند، همان پول می تواند به طلا و سکه برگردد. این رفتار نشان می دهد بازارها به جای مسیر بلندمدت، با موج های کوتاه مدت حرکت می کنند. نتیجه آن، افزایش نوسان و کاهش امکان برنامه ریزی است.

از نگاه اقتصاد کلان، بهترین حالت این است که نقدینگی به سمت فعالیت های مولد و سرمایه گذاری واقعی برود. بورس می تواند چنین نقشی داشته باشد، اما فقط اگر به تامین مالی تولید وصل شود. طلا و دلار بیشتر نقش حفظ ارزش دارایی دارند و اثر مستقیم آنها بر تولید محدود است. بنابراین اگر رشد بورس بتواند پول خرد را از بازارهای غیرمولد به سمت بازار سرمایه هدایت کند، از نظر اقتصادی فرصت است. اما اگر این

اگر بورس رشد کند و طلا عقب بنشیند، ممکن است بخشی از پول به سمت سهام حرکت کند. اما اگر دلار دوباره بالا برود یا بورس اصلاح کند، همان پول می تواند به طلا و سکه برگردد. این رفتار نشان می دهد بازارها به جای مسیر بلندمدت، با موج های کوتاه مدت حرکت می کنند. نتیجه آن، افزایش نوسان و کاهش امکان برنامه ریزی است.

توصیه به خرید و فروش پلکانی طلا در شرایط نوسان بازار

خرید و سرمایه گذاری بیشتر می شود، در حالی که هنگام کاهش قیمت ها، به جای استفاده از فرصت خرید، شاهد افزایش عرضه و فروش طلا از سوی مردم هستیم.

این فعال صنعت طلا با اشاره به عوامل مؤثر بر قیمت این فلز گران بها گفت: در سطح جهانی، مهم ترین عامل تعیین کننده ارزش طلا، تحولات و شرایط بین المللی است که در شاخص اونس جهانی طلا نمود پیدا می کند. در بازار داخلی نیز علاوه بر اونس جهانی، نرخ ارز در بازار آزاد تأثیر مستقیمی بر قیمت طلا دارد.

شفافیتی اظهار کرد: افزایش تنش های منطقه ای و رشد قیمت نفت در بازارهای بین المللی موجب شد بسیاری از کشورها برای تامین منابع مورد نیاز در حوزه انرژی، بخشی از ذخایر طلای خود را عرضه کنند. در چنین شرایطی، اولویت بسیاری از دولت ها تامین امنیت انرژی بوده و به طور سنتی افزایش قیمت نفت می تواند فشار کاهشی بر بازار طلا وارد کند.

وی ادامه داد: همزمان با این تحولات، تقویت ارزش دلار در بازارهای جهانی نیز بر کاهش قیمت اونس طلا اثرگذار بود. مجموعه این عوامل موجب شد بازار طلای ایران نیز طی ماه های اخیر روندی نزولی را تجربه کند و قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار تا محدوده ۱۷ میلیون تومان کاهش یابد. این فعال صنعت طلا تأکید کرد: اتفاقات ماه های گذشته باید به تجربه ای برای مردم و سرمایه گذاران تبدیل شود تا از ورود هیجانی به بازارها خودداری کنند. در حال حاضر نیز یکی از مهم ترین موضوعات اقتصاد جهانی، روند مذاکرات و کاهش تنش های سیاسی و نظامی است که می تواند به طور همزمان بر بازار نفت، ارزش دلار و قیمت جهانی طلا

تأثیر بگذارد. شفافیتی افزود: هرگونه تحول سیاسی می تواند موجب تقویت یک بازار و تضعیف بازار دیگر شود. در صورت دستیابی به توافق میان ایران و آمریکا و کاهش ریسک های سیاسی، احتمال کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی وجود دارد و در مقابل، بازار طلا می تواند با افزایش تقاضا و رشد قیمت مواجه شود.

وی با تأکید بر نگاه بلندمدت به سرمایه گذاری در طلا تصریح کرد: توصیه اصلی ما این است که مردم طلا را به عنوان یک دارایی امن و سرمایه گذاری بلندمدت در نظر بگیرند و حداقل افق زمانی یکساله برای این بازار داشته باشند. واکنش های هیجانی به نوسانات کوتاه مدت معمولاً به زیان سرمایه گذاران منجر می شود.

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان طلا، جواهر، نقره و سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی ایران، گفت: سرمایه گذاران بهتر است در شرایط فعلی با احتیاط بیشتری نسبت به گذشته در بازار طلای آب شده فعالیت کنند و سهم کمتری از سرمایه گذاری خود را به این بخش اختصاص دهند. همچنین انجام خریدها به صورت مرحله ای می تواند ریسک ناشی از نوسانات قیمتی را کاهش دهد.

شفافیتی در پایان درباره چشم انداز بازار جهانی طلا اظهار کرد: پیش بینی می شود تا پایان سال جاری میلادی، قیمت اونس جهانی طلا ظرفیت حرکت به سمت سطوح بالاتر را داشته باشد و حتی ورود مجدد به کانال ۵۰۰۰ دلاری دور از انتظار نیست و در صورت تثبیت توافقات سیاسی و کاهش ریسک های ژئوپلیتیکی، معامله گران جهانی بار دیگر به سمت افزایش خرید و معاملات طلا حرکت خواهند کرد.

خبرنامه



نیازمند اصلاحات ساختاری هستیم

نایب رئیس کمیسیون مالیات اتاق ایران، با اشاره به فشارهای ناشی از تشدید تحریم‌ها، تنش‌های منطقه‌ای، افزایش هزینه‌های تجارت و اجرای سیاست‌های اقتصادی در یک سال گذشته، گفت که بخش خصوصی با یافتن مسیرهای جایگزین برای تامین مواد اولیه، حمل‌ونقل و صادرات، مانع از توقف چرخه تولید و تامین نیازهای کشور شد. به گزارش ایسنا، در حالی که یک سال از وقوع جنگ ۱۲ روزه و تحولات ناشی از آن می‌گذرد، بررسی عملکرد بخش صنعت و تجارت کشور در مواجهه با مجموعه‌ای از چالش‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای یافته است. در این میان، فعالان اقتصادی معتقدند که اقتصاد ایران طی یک سال گذشته با انباشت چندین بحران همزمان مواجه بوده و مدیریت این شرایط نیازمند همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی بوده است. آرمان خالقی - نایب رئیس کمیسیون مالیات، کار و تامین اجتماعی اتاق ایران - در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به شرایط حاکم بر اقتصاد کشور در یک سال گذشته اظهار کرد: مجموعه اتفاقاتی که طی این مدت رخ داد، یک زنجیره از فشارهای فزاینده را بر بخش صنعت و معدن کشور تحمیل کرد. ما پیش از این نیز با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها مواجه بودیم، اما در ادامه شاهد تشدید این محدودیت‌ها و همچنین وقوع دو مقطع جنگی و تنش‌های جدی بودیم که آثار مستقیمی بر فعالیت‌های اقتصادی کشور بر جای گذاشت. وی افزود: در کنار این مسائل، اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز نیز به عنوان یک جراحی اقتصادی که اجرای آن سال‌ها به تاخیر افتاده بود، در دستور کار قرار گرفت. طبیعی است که همزمانی این عوامل، شرایط فعالیت برای بنگاه‌های تولیدی را پیچیده‌تر و دشوارتر کند.

خالقی با اشاره به وضعیت محیط کسب‌وکار کشور گفت: اگرچه در دولت تلاش‌هایی برای بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش مداخلات دولتی صورت گرفت و شخص رئیس‌جمهور نیز بارها بر این موضوع تاکید داشت، اما همچنان بسیاری از مشکلات ساختاری گذشته پابرجاست. بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری فعالیت‌های قابل واگذاری به بخش خصوصی از جمله اقداماتی است که باید با سرعت و جدیت بیشتری دنبال شود.

وی ادامه داد: گام‌هایی در این مسیر برداشته شده، اما واقعیت این است که این اقدامات با سطح نیازها و اقتضانات اقتصاد کشور فاصله دارد و هنوز تا رسیدن به شرایط مطلوب راه زیادی در پیش داریم. نایب رئیس کمیسیون مالیات، کار و تامین اجتماعی اتاق ایران درباره تاثیر تحولات سیاسی و امنیتی بر تجارت خارجی کشور نیز اظهار کرد: خداداهای یک سال گذشته بر روند تبادلات تجاری ایران تاثیرگذار بود. در حوزه لجستیک و حمل‌ونقل بین‌المللی با چالش‌هایی مواجه شدیم که هزینه‌های تجارت را افزایش داد. هم هزینه تامین مواد اولیه برای واحدهای تولیدی افزایش یافت و هم هزینه‌های صادراتی بنگاه‌ها تحت تأثیر قرار گرفت.

وی افزود: تغییر مسیرهای حمل‌ونقل، افزایش ریسک‌های تجاری و محدودیت‌های ناشی از شرایط منطقه‌ای باعث شد فعالان اقتصادی ناچار به بازنگری در روش‌های تامین و صادرات خود شوند. این موضوع فشار مضاعفی را بر تولیدکنندگان وارد کرد، اما در عین حال موجب شد بخش خصوصی برای یافتن راهکارهای جدید فعال‌تر از گذشته عمل کند. خالقی با اشاره به نقش بخش خصوصی در مدیریت شرایط موجود گفت: بخش خصوصی در این دوره تلاش کرد نقش مکمل دولت را ایفا کند. به‌ویژه در حوزه واردات مواد اولیه، تامین نیاز خطوط تولید، کالاهای اساسی و اقلام مورد نیاز جامعه، فعالان اقتصادی اقدامات گسترده‌ای انجام دادند تا خللی در روند تامین کالاها ایجاد نشود. وی اضافه کرد: اتاق بازرگانی، تشکلهای اقتصادی و فعالان بخش خصوصی نیز به طور مستمر پیشنهادها و راهکارهای خود را برای عبور از مشکلات به دولت ارائه کردند. در واقع بخش خصوصی برای حفظ تولید و استمرار فعالیت بنگاه‌ها ناگزیر بود از تمامی ظرفیت‌های موجود استفاده کند. این فعال اقتصادی خاطر نشان کرد: در حوزه تامین مواد اولیه، یافتن مسیرهای جایگزین، توسعه همکاری با شرکای تجاری جدید و استفاده از روش‌های مختلف برای کاهش آثار تحریم‌ها در دستور کار قرار گرفت. همچنین در بخش حمل‌ونقل و لجستیک نیز تلاش شد مسیرهای جدیدی برای جابه‌جایی کالاها تعریف شود تا زنجیره تامین کشور با کمترین اختلال ممکن به فعالیت خود ادامه دهد. وی افزود، در حوزه کردیدورهای حمل‌ونقل و مسیرهای ترانزیتی نیز بخش خصوصی به صورت مستمر راهکارهای جدیدی ارائه کرده و تلاش کرده با شرایط متغیر منطقه‌ای و بین‌المللی خود را تطبیق دهد. این اقدامات سبب شد به رغم تمامی فشارها و محدودیت‌ها، بخش مهمی از نیازهای تولیدی و تجاری کشور تامین شود و روند فعالیت واحدهای اقتصادی به طور کامل متوقف نشود. خالقی در پایان تاکید کرد: تجربه یک سال گذشته نشان داد که افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور نیازمند اصلاحات ساختاری، بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش مداخلات غیرضروری و استفاده حداکثری از ظرفیت بخش خصوصی است. هرچه نقش آفرینی بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی پررنگ‌تر شود، امکان عبور از بحران‌ها و کاهش آثار شوک‌های بیرونی نیز بیشتر خواهد شد.

عرضه بیش از ۱۵۷ هزار تن گوشت مرغ در اردیبهشت

براساس نتایج آمارگیری کشتار طیور کشتارگاه‌های رسمی کشور در اردیبهشت سال جاری وزن گوشت عرضه‌شده انواع طیور کشتار شده در کشتارگاه‌های رسمی کشور در اردیبهشت ۱۴۰۵ جمعاً ۱۶۱٫۸۵۰ تن گزارش شده است. به گزارش خیرگزاری مهر به نقل از مرکز آمار ایران، طبق نتایج طرح آمارگیری کشتنار طیور کشتارگاه‌های رسمی کشور در ماه اردیبهشت سال جاری ، وزن گوشت عرضه‌شده انواع طیور کشتار شده در کشتارگاه‌های رسمی کشور در اردیبهشت ۱۴۰۵ جمعاً ۸۵۰/۱۱۶۱ تن گزارش شده، که سهم گوشت مرغ بیش از سایر انواع طیور بوده است. بر اساس نتایج این آمارگیری، گوشت مرغ با ۲۴/۱۵۷ تن، ۹۷ درصد از وزن کل گوشت طیور عرضه‌شده را به خود اختصاص داده است. گوشت بوقلمون با ۳۶۷/۳ تن و سایر انواع طیور با ۱۷۹/۱ تن، به‌ترتیب ۲٫۳ درصد و ۰٫۷ درصد از وزن کل گوشت طیور عرضه‌شده را به خود اختصاص داده‌اند. مقایسه عملکرد کشتارگاه‌های رسمی کشور در اردیبهشت ۱۴۰۵ با ماه مشابه سال ۱۴۰۴ نشان‌دهنده کاهش۳۵ درصدی مقدار عرضه گوشت انواع طیور در کشتارگاه‌های رسمی کشور است. همچنین نتایج حاصل از این طرح آمارگیری نشان می‌دهد که مقدار عرضه گوشت طیور در کشتارگاه‌های رسمی کشور در اردیبهشت ۱۴۰۵ نسبت به ماه قبل (فروردین ۱۴۰۵) در حدود ۲۲ درصد کاهش داشته است.

یک استاد دانشگاه تاکید کرد: اگرچه کالابرگ می‌تواند فشار کوتاه‌مدت را کاهش دهد، اما جایگزین کنترل تورم نیست. اگر تورم بالا ادامه پیدا کند، هر سطحی از حمایت هم بی‌کفایت می‌شود، لذا این طرح باید در کنار سیاست‌های کلان برای کنترل نقدینگی، ثبات قیمت‌ها، مدیریت بودجه و اصلاح ساختار اقتصادی به‌کار گرفته شود. علیرضا جلالی فراهانی در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن ارزیابی طرح کالابرگ و فلسفه توزیع آن معتقد است: کالابرگ در ساده‌ترین تعریف، نوعی اعتبار یا سهمیه خرید برای کالاهای مشخص است که خانوار می‌تواند آن را در فروشگاه‌های طرف قرارداد استفاده کند. در نسخه الکترونیکی این طرح که هم اکنون در کشورمان در حال اجراست، به جای کوپن کاغذی، اعتبار خرید در کارت بانکی سرپرست خانوار شازر می‌شود و افراد می‌توانند از آن برای خرید کالاهای اساسی مانند برنج، روغن، مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و سایر اقلام تعریف‌شده، استفاده کنند. طرح جدید کالابرگ از ابتدای دی‌ماه سال ۱۴۰۴ با اعتبار یک میلیون تومان برای هر نفر در ماه آغاز شد. در زمان شروع این طرح اعلام شده بود که منابع مالی آن برای چهار ماه ابتدایی یعنی دی، بهمن، اسفند و فروردین تامین شده‌است. میزان استفاده از اعتبار سه ماهه دی، بهمن و اسفند توسط خانوارها، ۹۹.۵ درصد بوده‌است که این آمار گویای استقبال از آن و هم‌چنین نیاز مبرم گروه هدف به این اهرم حمایتی است.

این کارشناس ارشد حوزه مدیریت با استناد به اظهارات سخنگوی معاونت امور و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ درباره آمار مشمولان دریافت کالابرگ اظهار کرد: در مجموع ۸۶ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در کشور مشمول دریافت کالابرگ هستند و برای اجرای این طرح، در سال جاری حدود ۹۹۶ همت اعتبار پیش‌بینی شده‌است؛ این در حالی است که تعداد دریافت‌کنندگان یارانه نقدی حدود ۷۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است و این بدان معناست که بیش از ۱۵ میلیون نفر بیش‌تر از جمعیت یارانه‌بگیران، در طرح کالابرگ قرار گرفته‌اند.

به گفته جلالی فراهانی، دولت با پیش‌بینی اثرات تورم پیش‌رو، تلاش کرده دامنه پوشش این طرح حمایتی را گسترده‌تر از نظام یارانه نقدی در نظر بگیرد، هرچند که برای افزایش کارایی این طرح، لازم است سازوکارهای اجرا و شناسایی گروه‌های هدف با درنظرگرفتن شرایط اقتصادی کشور انجام شود.

وی ظهور و تداوم این سیاست در کشور را مستلزم دزنظر گرفتن واقعیتای نظیر تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، شرایط جنگی (نظامی و اقتصادی)، افزایش آسیب‌پذیری دهک‌های پایین، چالش‌های توزیع یارانه نقدی، نیاز به هدفمندسازی حمایت‌ها و ضرورت حفظ امنیت غذایی خانوارها دانست و تصریح کرد: در چنین شرایطی کالابرگ نوعی تلاش برای حفاظت از حداقل استاندارد معیشتی به ویژه برای اقشار کم‌درآمد است.

این استاد دانشگاه در ادامه، مزایای طرح کالابرگ را حمایت مستقیم از تامین کالاهای ضروری، کاهش اثرات تورمی یارانه نقدی، تقویت امنیت غذایی، کاهش فشار روانی بر خانوارها، هدفمندسازی بهتر منابع حمایتی و کمک به ثبات نسبی تقاضا در بازار کالاهای اساسی عنوان کرد و به تشریح اثرگذاری هر یک از این موارد پرداخت و گفت: یکی از مهم‌ترین مزایای کالابرگ این است که حمایت را به سمت کالاهای اساسی و حیاتی هدایت می‌کند. در شرایطی که افزایش قیمت مواد غذایی می‌تواند به سرعت تغذیه خانوار را تحت تأثیر قرار دهد، کالابرگ به کاهش فشار بر سبد غذایی کمک می‌کند. این موضوع به‌ویژه برای خانوارهای کم‌درآمد که بخش بزرگی از درآمدشان صرف خوراک می‌شود اهمیت بسیاری دارد.

جلالی فراهانی اضافه کرد: در بحث کاهش اثر تورمی یارانه نقدی نیز در اقتصادهای تورمی، یارانه نقدی معمولاً به سرعت ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد؛ هرچند پرداخت نقدی آزادی انتخاب بیش‌تری به خانوار می‌دهد اما لزوماً تضمین نمی‌کند که منابع دریافتی صرف کالاهای ضروری شود و مصرف آن در حوزه‌های غیرهدف‌گذاری شده، می‌تواند با ایجاد تقاضای کاذب، موجب تشدید تورم شود. این کارشناس ارشد حوزه مدیریت به میحت تقویت امنیت غذایی به‌عنوان یکی دیگر از مزایای اجرای طرح اشاره کرد و گفت: امنیت غذایی فقط به معنای وجود غذا نیست، بلکه به معنای دسترسی پایدار، کافی و اقتصادی به غذای سالم است. کالابرگ می‌تواند در کوتاه‌مدت از افت مصرف مواد غذایی مهم در میان دهک‌های کم‌درآمد جلوگیری کند و مانع از آن شود که خانوارها برای جبران فشار هزینه‌ها، کیفیت یا کمیت تغذیه خود را کاهش دهند. هم‌چنین کالابرگ این امکان را فراهم می‌کند که حداقل بخشی از مصرف کالاهای ضروری، از نوسانات شدید بازار مصون بماند و خانوار بتواند نیازهای پایه خود را تأمین کند. جلالی فراهانی درباره مزیت کاهش فشار روانی بر خانوارها، گفت: وقتی قیمت کالاهای اساسی به‌طور مداوم افزایش می‌یابد، خانوارها با نااطمینانی شدید روبه‌رو می‌شوند. وجود یک اعتبار مشخص برای خرید کالاهای ضروری، تاحدی احساس ثبات و پیش‌بینی‌پذیری ایجاد می‌کند؛ لذا این ابزار در عین آنکه اساساً یک ابزار اقتصادی است اما آثار اجتماعی و روانی مهمی هم دارد. در بسیاری از نظام‌های یارانه‌ای، بخش قابل توجهی از منابع به‌صورت پراکنده یا غیرهدفمند توزیع

می‌شود، کالابرگ این امکان را می‌دهد که دولت حمایت را به گروه‌های مشخص و کالاهای مشخص اختصاص دهد، در نتیجه، منابع محدود حمایتی با دقت بیش‌تری توزیع می‌شوند و اثربخشی سیاست رفاهی افزایش می‌یابد.

این استاد دانشگاه درباره مزیت کمک به ثبات نسبی تقاضا در بازار کالابرگ را مورد ارزیابی قرار داد و گفت: وقتی دولت برای خرید برخی اقلام پایه اعتبار تخصیص می‌دهد، تقاضا برای آن کالاها تا حدی قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. این امر در صورت مدیریت درست عرضه، می‌تواند به کاهش شوک‌های مقطعی در بازار کمک کند، البته این مزیت تنها زمانی محقق می‌شود که زنجیره تأمین نیز پایدار باشد.

وی در بخش دیگری از گفت‌وگو با ایسنا، چالش‌ها و محدودیت‌های طرح کالابرگ را مورد ارزیابی قرار داد و گفت: هر سیاست حمایتی در کنار مزایا، محدودیت‌هایی هم دارد. اگر این محدودیت‌ها نادیده گرفته شوند، این خطر وجود دارد که طرح به تدریج از هدف اصلی خود فاصله گرفته و یا حتی کارکردی برخلاف فلسفه ذاتی خود پیدا کند.

جلالی فراهانی متذکر شد: یکی از چالش‌های طرح، پیچیدگی اجرایی آن است. اجرای کالابرگ نیازمند زیرساخت مناسب، هماهنگی میان نهادهای مختلف، اتصال سامانه‌ها، تعریف درست فروشگاه‌های طرف قرارداد و نظارت مستمر است. چنانچه این زنجیره ناقص باشد، طرح برای مردم به تجربه‌ای دشوار و فرساینده تبدیل می‌شود. در تجربه جاری در کشور این چالش به نحوی قابل دفاع مدیریت شده‌است.

این صاحب‌نظر از خطر کمبود یا محدود شدن انتخاب به‌عنوان یکی دیگر از چالش‌های طرح نام برد و افزود، اصولاً هر نوع محدودیت در انتخاب، مطلوبیت را کاهش می‌دهد. خانوارها ممکن است ترجیح دهند به جای کالاهای تعریف شده، خودشان انتخاب کنند که چه چیزی بخرند؛ لذا اگر فهرست اقلام محدود باشد یا کیفیت و تنوع کالاها پایین باشد، رضایت مردم کاهش می‌یابد. در این حالت، کالابرگ به جای حمایت مؤثر، احساس محدودیت را القا می‌کند.

وی خاطر نشان کرد: در این طرح احتمال بروز رانت یا سوءاستفاده می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. در هر نظام سهمیه‌ای، فقدان شفافیت می‌تواند زمینه‌ساز رانت، واسطه‌گری یا سوءاستفاده شود. تخلف‌هایی نظیر احتکار، ثبت‌های صوری یا تبدیل و تنزیل غیررسمی کالابرگ به پول نقد از جمله انحرافات هستند که باید جدی گرفته شده و با آن‌ها برخورد کرد.

این استاد دانشگاه یکی دیگر از چالش‌های موجود را، اثرگذاری محدود در صورت تورم شدید عنوان کرد و گفت: اگر نرخ تورم در سطح بالایی باقی بماند حتی کالابرگ هم ممکن است به سرعت کارکرد حمایتی – جبرانی خود را از دست بدهد. در چنین شرایطی، ارزش واقعی اعتبار تخصیص یافته باید مرتباً بازبینی شود؛ در غیر این صورت پوسته‌ای از طرح باقی مانده و به لحاظ کارکردی، بی‌خاصیت می‌شود. وی تاکید کرد: چالش دیگر مورد بحث در این طرح، ناهمگونی در دسترسی جغرافیایی است. در برخی مناطق، مخصوصاً مناطق روستایی یا کم‌برخوردار، دسترسی به فروشگاه‌های مجهز یا پذیرنده‌های معتبر ممکن است محدود باشد. اگر دسترسی جغرافیایی برابر نباشد، اجرای طرح به نابرابری جدیدی منجر می‌شود.

اجرای کالابرگ نیازمند زیرساخت مناسب، هماهنگی میان نهادهای مختلف، اتصال سامانه‌ها، تعریف درست فروشگاه‌های طرف قرارداد و نظارت مستمر است.

جلالی فراهانی با بیان اینکه در این طرح امکان ایجاد تورم بخشی وجود دارد، گفت: یکی از دلایل اتخاذ سیاست کالابرگ به جای افزایش مبلغ یارانه، جلوگیری از اثرات تورم‌زای ناشی از افزایش نقدینگی یارانه نقدی در جامعه بوده است اما اگر زنجیرهٔ تامین کالاهای تحت پوشش کالابرگ دچار اختلال شود یا ظرفیت تولید به موازات افزایش نیابد، نوع دیگری از تورم حادث خواهد شد که به جای آنکه ناشی از افزایش نقدینگی باشد، حاصل محدودیت عرضه است و طبعاً در این حالت، مردم با میزان ثابتی از کالابرگ (توان خرید) در تهیه کالای محدود با هم به رقابت می‌پردازند که این وضعیت خود تورم‌زا است.

این صاحب‌نظر حوزه مدیریت هم‌چنین به ارزیابی اثربخشی طرح کالابرگ و مجموعه اقداماتی که باید در این خصوص صورت گیرد، پرداخت و توضیح داد: برای آنکه سازوکار کالابرگ کماکان مؤثر بماند، لازم است این ابزار سیاستی به طور مستمر پایش، اصلاح و به‌روزرسانی شود. این پایش باید از نواحی مختلف صورت گیرد که ارزش اعتباری متناسب با تورم، حفظ تمرکز بر دهک‌های پایین و خانوارهای آسیب‌پذیر، ساده بودن تجربه کاربری، تنوع منطقی در کالاهای قابل خرید، نظارت جدی بر شبکه توزیع و فروشگاه‌ها، تقویت دسترسی برابر، پایش مستمر اثرات اجتماعی و تغذیه‌ای، هماهنگی در سیاست‌های کنترل تورم، پرهیز از سیاست‌زدگی و حفظ ثبات تصمیم‌گیری و توجه به کرامت انسانی دریافت‌کنندگان را می‌توان از جمله این موارد نام برد.

جلالی فراهانی سپس به تشریح هر یک موارد مذکور پرداخت و گفت: در بحث ارزش اعتبار متناسب با تورم ذکر این نکته ضروری است که در طرح کالابرگ مهم‌ترین اصل این است که اعتبار کالابرگ با توجه به تورم کالاهای مشمول طرح مورد بازنگری قرار گیرد. اگر قیمت

دریافت‌کنندگان کالابرگ ۱۵ میلیون نفر بیشتر از یارانه‌بگیران



اقلام اساسی افزایش یابد ولی اعتبار ثابت بماند، حمایت واقعی کاهش پیدا می‌کند؛ بنابراین لازم است مکانیزمی شفاف و پویا برای تعدیل دوره‌ای اعتبار طراحی شود. درخصوص حفظ تمرکز بر دهک‌های پایین و خانوارهای آسیب‌پذیر برای افزایش کارایی نیز معتقدم طرح باید بیش از همه بر گروه‌هایی متمرکز شود که بیش‌ترین نیاز را دارند. حمایت فراگیر بدون توجه به سطح درآمد، هزینه زیادی ایجاد می‌کند و اثر بازتوزیعی آن را کم می‌کند. هدف‌گیری دقیق دهک‌های پایین، زنان سرپرست خانوار، سالمندان کم‌درآمد و خانوارهای دارای فرزند کوچک می‌تواند اثربخشی این ابزار سیاستی را بالا ببرد.

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: در بحث ساده بودن تجربه کاربری نیز هرچه استفاده از کالابرگ برای مردم ساده‌تر باشد، احتمال موفقیت بیش‌تر است. فرآیند استعمال، خرید، شارژ اعتبار و مشاهده موجودی باید شفاف و بدون پیچیدگی باشد. در صورتی که افراد مجبور شوند بارها به سامانه‌های مختلف مراجعه کنند یا درگیر ابهام شوند، اعتمادشان کاهش می‌یابد. این فرایند باید با استفاده از ابزارهای جدید، مستمراً ساده‌سازی و شفاف شود.

به گفته جلالی فراهانی، یکی از موارد اساسی در بحث اثرگذاری کالابرگ، تنوع منطقی در کالاهای قابل خرید است و کالاهای مشمول باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که هم نیاز تغذیه‌ای خانوار را پوشش دهند و هم از سختگیری غیرضروری پرهیز شود زیرا فحیرت بسیار محدود باعث ناراضیاتی می‌شود، در حالی که فهرست بسیار گسترده، هدمفندی طرح را کاهش می‌دهد، بنابراین حصول اطمینان از استمرار سطحی بهینه از تنوع معطوف به هدف ضروری است.

این صاحب‌نظر حوزه مدیریت اهمیت نظارت جدی بر شبکه توزیع و فروشگاه‌ها را یادآور شد و گفت: اثربخشی کالابرگ به سلامت شبکه توزیع وابسته است. باید بازرسی، رصد قیمت، کنترل موجودی و برخورد با تخلفات در اولویت باشد. اگر فروشگاه‌های کالا را با قیمت غیرواقعی عرضه کند یا از پذیرش کالابرگ امتناع کند، اعتماد عمومی آسیب می‌بیند. در خصوص تقویت دسترسی برابر نیز مردم باید در مناطق مختلف کشور دسترسی مشابهی داشته باشند از این رو لازم است که گسترش مستمر و متوازن شبکه فروشگاه‌های عرضه‌کننده و حتی استفاده از ظرفیت‌های فروشگاه‌های برخط، در دستور کار دائمی باشد.

کالابرگ یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی برای مواجهه با فشار معیشتی و تورم است و چنانچه به درستی راهبری شود، می‌تواند به حفظ امنیت غذایی، کاهش فشار بر دهک‌های پایین و افزایش کارایی یارانه‌ها کمک کند.وی ادامه داد: در بحث پایش مستمر اثرات اجتماعی و تغذیه‌ای، دولت و نهادهای پژوهشی باید به طور منظم بررسی کنند که آیا کالابرگ واقعاً مصرف کالاهای اساسی، امنیت غذایی و رفاه خانوارها را بهبود داده یا نه؟ سیاست عمومی بدون ارزیابی دوره‌ای، ممکن است به تدریج از هدف خود دور شود و شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، رضایت خانوار، سطح سوءتغذیه و میزان پوشش واقعی باید به طور مستمر سنجیده شوند.

جلالی فراهانی اهمیت هماهنگی با سیاست‌های کنترل تورم را از جمله موارد اثرگذار در طرح کالابرگ دانست و تصریح کرد: اگرچه کالابرگ می‌تواند فشار کوتاه‌مدت را کاهش دهد، اما جایگزین کنترل تورم نیست. اگر تورم بالا ادامه پیدا کند، هر سطحی از حمایت هم بی‌کفایت می‌شود، لذا این طرح باید در کنار سیاست‌های کلان برای کنترل نقدینگی، ثبات قیمت‌ها، مدیریت بودجه و اصلاح ساختار اقتصادی به‌کار گرفته شود.

به گفته وی در طرح کالابرگ، پرهیز از سیاست‌زدگی و حفظ ثبات تصمیم‌گیری ضروری است، زیرا یکی از آفت‌های سیاست‌های رفاهی، تغییرات بی‌درپی و غیرقابل پیش‌بینی است و اگر فهرست کالاها، نحوه تخصیص یا گروه‌های مشمول، دائماً با تغییرات ناگهانی مواجه شود، اعتماد عمومی مخدوش می‌شود. در این حالت افراد نسبت به رفتارهای شتاب‌زده گرایش پیدا می‌کنند تا خود را در برابر تغییرات احتمالی تا حدی بیمه کنند که این رفتار، فشار زیادی را به زنجیره تامین و توزیع وارد کرده و تاب‌آوری آن را به چالش می‌کشد از این رو ثبات، شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن، شرط مهم موفقیت است.

این صاحب‌نظر حوزه مدیریت، توجه به کرامت انسانی دریافت‌کنندگان کالابرگ را از ویژگی‌های برجسته طرح کالابرگ دانست و گفت: به‌طورکلی، سیاست حمایتی نباید با حس تحقیر یا برچسب اجتماعی همراه شود. شیوه ارائه کالابرگ باید به‌گونه‌ای باشد که دریافت‌کنندگان آن احساس نکنند در موقعیت فرودست یا شرم‌آور قرار گرفته‌اند. احترام به کرامت و عزت نفس افراد، بخشی از موفقیت هر برنامه رفاهی است. کالابرگ یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی برای مواجهه با فشار معیشتی و تورم است و درصورتی که این طرح به درستی راهبری شود، می‌تواند به حفظ امنیت غذایی، هدفمند شدن حمایت‌ها، کاهش فشار بر دهک‌های پایین و افزایش کارایی یارانه‌ها کمک کند.

وی در پایان با بیان اینکه «طرح کالابرگ» یک راه حل کامل، مستقل و جامع نیست، تاکید کرد: این طرح ابزاری مکمل است که موفقیت آن به کیفیت اجرا، شفافیت، نظارت و مهم‌تر از همه هماهنگی با سیاست‌های کلان اقتصادی وابسته است.

اخبار



مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق مازندران:

۱۳۲۶ دستگاه استخراج رمز ارز غیرمجاز در ۱۵ ماه گذشته در استان کشف شد

ساری - دهقان : مهندس حسینی کارنامی، مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق مازندران، اعلام کرد تعداد ۱۳۲۶ دستگاه استخراج رمز ارز غیرمجاز در ۱۵۹ مرکز مختلف که معادل مصرف برق ۳۱۰۰ خانوار است در سراسر استان شناسایی و جمع آوری شد. به گزارش خبرنگار مازندران به نقل روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق مازندران، وی در جلسه کارگروه استانی مقابله با رمز ارز با بیان این خبر افزود: حجم مصرف برق این دستگاه‌های استخراج، قابل توجه بوده و معادل مصرف برق ۳۰۹۴ خانوار برآورد می‌شود.

حسینی کارنامی با تأکید بر چالش‌های ناشی از فعالیت مراکز غیرمجاز استخراج رمز ارز برای شبکه توزیع برق، خاطرنشان کرد: این فعالیت‌ها فشار مضاعفی بر شبکه وارد کرده و می‌تواند پایداری آن را به خطر اندازد. شناسایی و برخورد با این مراکز، اولویت شرکت توزیع نیروی برق مازندران جهت تأمین برق پایدار برای خانوار است.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق مازندران همچنین بر لزوم همکاری و هماهنگی میان دستگاه‌های نظارتی و انتظامی برای مقابله مؤثر با این پدیده تأکید کرد و گفت: با اتخاذ تدابیر لازم و همکاری مستمر، تلاش خواهیم کرد تا از سوءاستفاده از منابع انرژی جلوگیری کرده و به حفظ پایداری شبکه برق استان کمک کنیم. در این جلسه، دیگر اعضای کارگروه نیز ضمن تشریح اقدامات انجام شده در حوزه نظارت و برخورد با فعالیت‌های غیرمجاز، بر اهمیت اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص پیامدهای اقتصادی و فنی استفاده از رمز ارزهای غیرمجاز تأکید کردند.

در پایان مهندس حسینی کارنامی از هم‌استانی‌های عزیز خواست، با ارسال گزارش‌های خود به شماره پیامکی ۵۱۲۱-۳۰۰۰، در این مسیر با ما همراه شوید و از پاداش نقدی تا سقف ۲۰۰ میلیون تومان بهره‌مند گردید.

گامی بلند در تداوم پایداری تولید و صادرات:

تکمیل عملیات پاک‌سازی و ایمن‌سازی خط لوله ۱۶ اینچ رگ سفید ۱

اهواز - شبنم قجانوند: مهندس حیدر الیاسی‌نیا، مدیر عملیات این شرکت، از پایان موفقیت‌آمیز عملیات تخلیه، پاک‌سازی و آماده‌سازی خط لوله ۱۶ اینچ رگ سفید به مایل ۳۵ جهت انجام تعمیرات اساسی خبر داد. مهندس الیاسی‌نیا با اشاره به اهمیت این خط لوله در چرخه صادرات نفت، اظهار داشت: در راستای ارتقای سطح ایمنی و صیانت از سرمایه‌های ملی، عملیات رفع معایب، حذف گیره‌ها و ترمیم نقاط



دارای کاهش ضخامت در دستور کار قرار گرفت. لازمه اجرای این پروژه، تخلیه کامل خط لوله مذکور بود که با برنامه‌ریزی دقیق فنی و عملیاتی اجرایی شد. مدیر عملیات شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در تشریح جزئیات این عملیات تصریح کرد: در مرحله نخست، با استقرار پمپ‌تراک در مایل ۳۵، بخش عمده نفت موجود در خط به میزان ۵۰۰۰ بشکه تخلیه و به چرخه تولید بازگردانده شد. در ادامه، جهت پاک‌سازی کامل خط، عملیات توپکرانی با استفاده از کمپرسور هوا به‌صورت مرحله‌بندی شده اجرا گردید که منجر به بازیافت ۵۰۲۲ بشکه نفت دیگر شد. وی در خصوص چالش پیش آمده در حین عملیات و نحوه مدیریت آن افزود: پس از مواجهه با توقف توپکرها در مسیر خط، سناریوی جدیدی با رویکرد ایمنی حداکثری تدوین شد. در این مرحله با تأمین نیروی و بهره‌گیری از توان کارشناسی تیم‌های عملیاتی در شیفت شبانه و رصد دقیق مسیر، توپکرانی مجدد انجام شد. با تلاش بی‌وقفه همکاران در یک بازه زمانی ۱۰ ساعته، توپکرها با موفقیت دریافت و از خط خارج شدند. مهندس الیاسی‌نیا در پایان ضمن قدردانی از تلاش کارکنان واحد، عملیاتی، خاطرنشان کرد: با تکمیل موفقیت‌آمیز این عملیات و پاک‌سازی کامل خط لوله، شرایط برای انجام تعمیرات نقاط بحرانی و حذف گیره‌های موقت فراهم شده است که این امر نقش مؤثری در افزایش ضریب اطمینان و پایداری انتقال نفت در خطوط صادراتی خواهد داشت.

پایان عملیات رفع نقص فنی و بازگشت چاه شماره ۳ رامیان به مدار بهره‌برداری

مدیر امور آب و فاضلاب شهرستان رامیان از پایان موفقیت‌آمیز عملیات رفع نقص فنی و تجهیز مجدد چاه شماره ۳ رضآباد، بلوچ‌آباد گردایش خبر داد. به گزارش روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان گلستان، مهندس حاجیلری با اعلام این خبر گفت: «به دنبال وقوع سرفت تجهیزات و بروز نقص فنی در چاه شماره ۳ مجتمع آبرسانی رضا آباد، بلوچ‌آباد گردایش، جریان تأمین آب این منطقه با اختلال مواجه شده بود.» وی افزود: «بلافاصله پس از اعلام حادثه، اکیپ‌های فنی و عملیاتی این امور به محل اعزام شدند و با تلاش شبانه‌روزی همکاران، عملیات بازسازی، تجهیز مجدد این چاه به انجام رسید. مدیر امور آب و فاضلاب شهرستان رامیان تصریح کرد: «با پایان یافتن عملیات اجرایی، این چاه هم‌اکنون با ظرفیت کامل وارد مدار بهره‌برداری مجدد شده و پایداری شبکه توزیع آب شرب مشترکین این مناطق تضمین گردیده است.»

چاه سعدآباد رامیان پس از رفع نقص فنی، مجدداً وارد مدار بهره‌برداری شد

مدیر امور آب و فاضلاب شهرستان رامیان از پایان موفقیت‌آمیز عملیات رفع نقص فنی چاه شماره یک سعدآباد و بازگشت آن به مدار بهره‌برداری خبر داد و بر تلاش شبانه‌روزی این مجموعه برای پایداری شبکه توزیع آب تأکید کرد. به گزارش روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب، مهندس حاجیلری، مدیر این امور، با اعلام خبر فوق اظهار داشت: با توجه به اهمیت تأمین مستمر آب شرب پایدار برای شهروندان، عملیات رفع نقص فنی چاه شماره یک سعدآباد در دستور کار قرار گرفت. وی افزود: کارشناسان فنی این امور با حضور در محل، نسبت به شناسایی و رفع نواقص فنی موجود در این چاه اقدام نمودند. وی با بیان اینکه این عملیات با موفقیت به اتمام رسیده است، تصریح کرد: پس از انجام موفقیت‌آمیز تعمیرات و اطمینان از عملکرد صحیح چاه، این منبع مهم آب، مجدداً وارد مدار بهره‌برداری گردید. مدیر امور آب و فاضلاب شهرستان رامیان در پایان اظهار امیدواری کرد که با این اقدام، بخشی از مشکلات ناشی از کمبود یا افت فشار احتمالی در شبکه توزیع آب منطقه برطرف شده و رضایتمندی مشترکین حاصل گردد. او همچنین بر ادامه تلاش‌های شبانه‌روزی کارکنان این امور برای حفظ و ارتقاء کیفیت خدمات تأکید کرد.

تقدیر استاندار خوزستان از مدیرعامل شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری

اهواز - شبنم قجانوند: در آیین افتتاح و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی شهرستان امیدیه، دکتر موالی‌زاده استاندار خوزستان با اهدای لوح تقدیر از مهندس دهبان‌پور مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری تجلیل کرد. به گزارش روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری، استاندار خوزستان در این آیین با تأکید بر اهمیت هم‌افزایی میان دستگاه‌ها اظهار کرد: هرگاه میان دستگاه‌های



اجرایی هم‌افزایی وجود داشته باشد، مسئولیت‌های اجتماعی اثربخشی مطلوب‌تری پیدا می‌کند و در نتیجه، زمینه برای رفع مشکلات و چالش‌های مردم فراهم می‌شود. وی با قدردانی از خدمات شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در راستای توسعه و پیشرفت شهر امیدیه افزود: این شرکت با مشارکت و همراهی مؤثر خود، نقش مهمی در پیشبرد پروژه‌های عمرانی و خدمت‌رسانی به مردم منطقه ایفا کرده است. موالی‌زاده همچنین با اشاره به حضور پرشور مردم در صحنه‌های مختلف و حمایت آنان از نظام، میهن اسلامی، حریم ولایت و تمامیت ارضی کشور، تصریح کرد: مردم ایران با این همراهی و وفاداری، شایسته بهترین خدمات هستند و مسئولان باید با تمام توان برای رفع نیازها و مشکلات آنان تلاش کنند.

با حضور مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری بررسی شد:

راهکارهای تأمین پایدار سوخت نیروگاه شهید سلیمی نکاء

پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری، در این نشست با اشاره به اهمیت برنامه‌ریزی و هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط اظهار کرد: ارسال به‌موقع سوخت و ذخیره‌سازی مناسب در نیروگاه‌ها نقش مهمی در تداوم تولید برق و جلوگیری از بروز اختلال در تأمین برق مشترکان دارد. وی همچنین بر ضرورت همکاری مستمر میان بخش‌های اجرایی، حمل‌ونقل، نظارتی و امنیتی برای تحقق این هدف تأکید کرد. مدیر منطقه ساری اعلام کرد که برنامه‌ریزی برای افزایش آمادگی نیروگاه در زمینه دریافت و ذخیره‌سازی سوخت، بخشی از اقدامات پیشگیرانه جهت مدیریت مصرف انرژی در فصل سرد سال است. در این نشست، راهکارهای اجرایی برای تسهیل فرآیند سوخت‌رسانی و تقویت هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول بررسی و بر اجرای به‌موقع اقدامات پیش‌بینی‌شده تأکید شد.



برای شرایط احتمالی محدودیت یا قطع احتمالی گاز طبیعی در ماه‌های سرد سال و لزوم تأمین سوخت جایگزین برای استمرار تولید برق تأکید کردند. تورج امانی، مدیر شرکت ملی

ساری - دهقان : با هدف تقویت ذخیره‌سازی سوخت و آمادگی برای تأمین پایدار برق در طول سال، نشست هماهنگی سوخت‌رسانی به نیروگاه شهید سلیمی نکاء با حضور مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری، مدیرکل پدافند غیر عامل استان، مدیرکل راه‌آهن شمال، مدیر عامل شرکت تولید نیروی برق حرارتی، مسئولان نیروگاه شهید سلیمی نکاء و دستگاه‌های نظارتی و امنیتی در سالن تدبیر منطقه ساری برگزار شد. به گزارش خبرنگار مازندران به نقل روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه ساری، در این نشست موضوع تأمین به‌موقع سوخت نیروگاه شهید سلیمی نکاء، افزایش توان و ظرفیت تخلیه فرآورده‌های نفتی و همچنین تقویت ذخیره‌سازی سوخت در دوره گرم سال مورد بررسی قرار گرفت. حاضران در جلسه بر ضرورت آمادگی

شهردار ایلام: گام جدید شهرداری با راه اندازی سامانه شهرسازی با قابلیت‌های هوشمند و خدمات الکترونیک گسترده‌تر

شهرداری در این سامانه به‌صورت هوشمند طراحی شده تا ضمن افزایش سرعت پاسخگویی، رضایتمندی شهروندان نیز ارتقا یابد.

وی خاطرنشان کرد: شهرداری ایلام با توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، گام‌های مؤثری در مسیر تحقق شهر هوشمند برداشته و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، خدماتی سریع‌تر، دقیق‌تر و شفاف‌تر به شهروندان ارائه دهد. شهردار ایلام تأکید کرد: از امروز تمامی خدمات پیش‌بینی شده در نسخه جدید سامانه، در دسترس شهروندان قرار گرفته و روند ارائه خدمات شهرسازی با کیفیت و سرعت بیشتری انجام خواهد شد.



مدیریت شهری است، تصریح کرد: بخشی از فرآیندهای حوزه

ایلام/ منصور: افشین مظفری شهردار ایلام، از راه‌اندازی نسخه جدید سامانه شهرسازی شهرداری خبر داد و گفت: با رفع مشکلات سخت‌افزاری و فراهم شدن زیرساخت‌های لازم، علاوه بر برطرف شدن اختلالات موجود، نسخه جدید این سامانه از امروز در اختیار شهروندان قرار گرفته است. وی افزود: در نسخه جدید، قابلیت‌های متعددی برای تسهیل و تسریع فرآیندهای شهرسازی پیش‌بینی شده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به انوماتیک‌سازی محاسبات، کاهش خطای انسانی، افزایش دقت در ارائه خدمات و فراهم شدن بستر توسعه خدمات الکترونیک اشاره کرد.

مظفری با بیان اینکه هوشمندسازی خدمات از اولویت‌های

با هدف تسهیل خدمت‌رسانی و پاسخگویی به شهروندان انجام گرفت:

صدور آنی ۳۹۰۰ قطعه کارت هوشمند سوخت در منطقه آذربایجان شرقی

سوخت تولید و در کمترین زمان ممکن به صورت حضوری به متقاضیان تحویل داده شده است. مدیر منطقه آذربایجان شرقی با اشاره به تسریع فرآیند صدور کارت هوشمند سوخت با فراهم شدن زیرساخت لازم در استان افزود: مالکان خودروهای سواری و باری می‌توانند با ثبت درخواست کارت هوشمند سوخت در آدرس اینترنتی Fcs.niopc.ir با انتخاب گزینه صدور آنی کارت سوخت، پس دریافت پیامک مبنی بر تولید کارت سوخت با در دست داشتن مدارک هویتی کارت ملی، برگ سبزی یا کارت ماشین به ستاد منطقه مراجعه و کارت سوخت خود را از واحد سامانه هوشمند دریافت نمایند.



مدیریت شهری است، تصریح کرد: بخشی از فرآیندهای حوزه

فرصت امروز - ماهان فلاح: مدیر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه آذربایجان شرقی از صدور آنی بیش از ۳۹۰۰ قطعه کارت هوشمند سوخت با هدف تسهیل خدمت‌رسانی و پاسخگویی به شهروندان خبر داد. به گزارش خبرنگار ما به نقل از روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه آذربایجان شرقی، ناصر راشدی مدیر منطقه، با بیان اهمیت جلب رضایت شهروندان و عمل به مسئولیت اجتماعی با اصلاح فرآیندهای کاری و بهبود خدمت‌رسانی گفت: با تلاش کارشناسان و همکاران واحد سامانه هوشمند سوخت بیش از ۳۹۰۰ قطعه کارت

بهینه‌سازی مصرف گاز، فقط صرفه‌جویی نیست

ملی است و استفاده درست از آن می‌تواند به کاهش هزینه‌ها، حفظ منابع و افزایش پایداری تأمین انرژی کمک کند. وی تأکید کرد: مصرف بهینه گاز طبیعی، به‌ویژه در فصل‌های سرد سال، نقش بسیار مهمی در تأمین پایدار گاز برای همه بخش‌ها از جمله خانگی، عمومی و صنعتی دارد و همراهی مردم در این زمینه، زمینه‌ساز خدمات‌رسانی بهتر و عبور موفق از روزهای سرد خواهد بود.

مدیرعامل شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری خاطرنشان کرد: فرهنگ‌سازی در زمینه مصرف صحیح و ایمن گاز، یکی از مهم‌ترین راهکارها برای حفظ این نعمت ارزشمند است و بدون تردید، مشارکت مردم در این مسیر، آینده‌ای مطمئن‌تر و پایدارتر برای استان رقم خواهد زد.



نیست، بلکه باید به این موضوع توجه داشته باشیم که هر مترمکعب گاز مصرفی، علاوه بر ارزش حرارتی، یک سرمایه

شهرکرد - خبرنگار فرصت امروز: مدیرعامل شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری گفت: بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی فقط به معنای کاهش مصرف یک سوخت نیست، بلکه نگاهی دقیق و مسئولانه به نحوه استفاده از انرژی، افزایش بهره‌وری و حفظ منابع ملی است.

وی با اشاره به اهمیت گاز طبیعی در زندگی روزمره مردم و فعالیت واحدهای صنعتی افزود: گاز طبیعی در ظاهر شاید یک سوخت ساده به نظر برسد، اما در عمل نقش مهمی در اقتصاد، تولید، پایداری شبکه انرژی و حتی حفظ محیط زیست دارد. مدیرعامل شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری ادامه داد: وقتی از شناخت و مدیریت صحیح مصرف گاز صحبت می‌کنیم، منظور تنها رعایت چند توصیه برای صرفه‌جویی

بازدید گروه معین منطقه آذربایجان شرقی از ناحیه ویژه میان

و ارزیابی قرار گرفت. اعضای گروه معین همچنین از بخش‌های مختلف ستادی و عملیاتی بازدید کرده و آخرین وضعیت تجهیزات، زیرساخت‌ها، فرآیندهای بهره‌برداری و آمادگی واحدها را مورد ارزیابی قرار دادند.

این بازدید با هدف پایش مستمر عملکرد تأسیسات، بررسی ظرفیت‌های موجود، شناسایی فرصت‌های بهبود و تقویت هماهنگی‌های لازم در حوزه‌های عملیاتی، ایمنی و پدافند غیرعامل انجام شد.



رئیس اداره دامپزشکی اراک خبر داد:

شناسایی و کشف بیش از ۳۰۰ کیلوگرم فرآورده خام دامی غیربهداشتی در شهرستان اراک

نظارت بر بهداشت عمومی و مواد غذایی دامپزشکی شهرستان اراک، شناسایی شد. وی اضافه کرد: این فرآورده‌ها پس از بررسی کارشناسان و صدور دستورات قضایی توقیف شد تا دستورات لازم برای تعیین تکلیف داده شود.

رئیس اداره دامپزشکی اراک در پایان بیان داشت: همشهریان گرامی می‌توانند در صورت مشاهده هر گونه تخلف در کشتار غیر مجاز، نگهداری و عرضه فرآورده‌های خام دامی گزارشات خود را به دامپزشکی شهرستان اعلام نمایند تا رسیدگی و اقدام قاطع توسط کارشناسان این اداره انجام گیرد.



اراک - فرناز امیدیه: رئیس اداره دامپزشکی اراک گفت: مقدار ۳۳۰ کیلوگرم گوشت قرمز و سفید غیربهداشتی حاصل کشتار غیرمجاز فاقد هویت با هوشیاری کارشناسان واحد نظارت این اداره شناسایی و از چرخه مصرف انسانی خارج شد. ابوالفضل حمزه لویسان اعلام کرد: پیرو گزارشات واصله، مقدار ۳۳۰ کیلو گرم فرآورده خام غیربهداشتی و خارج از ضوابط دامپزشکی شامل گوشت گوساله حاصل کشتار غیرمجاز و قطعات گوشت مرغ فاقد هویت که در حیاط یک منزل مسکونی نگهداری می‌شد توسط کارشناسان واحد

